

گنجینه کاردان



سال اول - شماره سوم - بهار ۱۳۹۸



مشکل بیکاری در
افغانستان و راه حل

تعاون و تنش، دو رویکرد
متفاوت روسیه با آمریکا

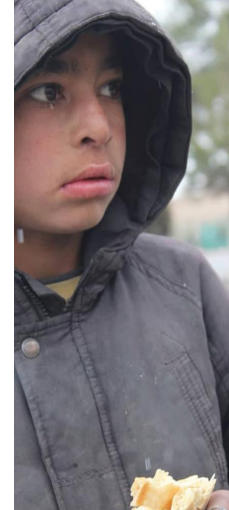
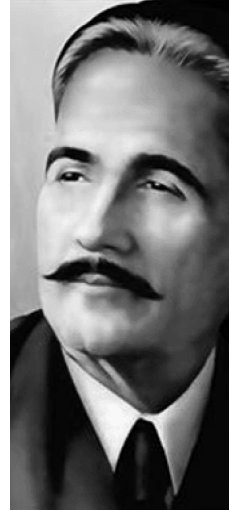
چطور اختلافات را با
ظرافت حل کنیم؟

خرنگه کولای شی
یو بنه مدیر اوسئ

چاپیریال ساتنه د ټولو
گډ مسؤلیت



صاحب امتیاز/ پوهنتون کاردان
مدیر مسوول/ میر محمد صدیق ذلیق
ویراستار/ نثار احمد نبیل
صفحه آرا/ محمد عارف ناصری
عکاسان/ منصور ابراهیمی و محمد عارف ناصری
همکاران/ انجنیر گل رحمن عبدالرحیم زی،
فرشته ناصری، زاهد جلالی، عبدالمصور رستمی،
عبدالباسط کړوخیل، سید جاوید حکیمی، ویندا
صمیم، محمد شبیر بشیری، سمیع الله زرگزاده،
محمد شبیر صافی، سلما سادات و زهرا واحدی
ایمیل: s.zaliq@kardan.edu.af
آدرس: چهارراهی پروان دو، کابل، افغانستان



فهرست

۲	پیشگفتار
۳	مینه رحمانی از مدیریت تفریح گاه الی معاونیت علمی پوهنتون کاردان
۴	کودکان افغان و آینده نا روشن
۶	د ودانیو اقتصادي حسابونو ته لنډه کتنه
۷	روش درست مطالعه
۸	تعاون و تنش دو رویکرد متفاوت روسیه با آمریکا
۱۰	د علامه اقبال ورځنی ژوند
۱۱	چطور اختلافات را با ظرافت حل کنیم؟
۱۲	علل توسعه نیافتگی اقتصادی در افغانستان
۱۴	مشکل بیکاری در افغانستان و راه حل
۱۶	خرنگه کولای شیء یو بنه مدیر اوسئ
۱۷	منازعه افغانستان و راه حل آن
۱۸	چاپیریال ساتنه د ټولو گډ مسؤلیت دی
۱۹	مصوونیت پارلمانی
۲۰	حاکمیت قانون
۲۲	کارگاه عملی بررسی محل وقوع جرم برای محصلان حقوق برگزارشد
۲۴	نخستین نمایشگاه عکاسی حرفوی محصلان ژورنالیزم برگزار شد
۲۶	استقبال از دریافت اعتبار ملی اکادمیک پوهنتون کاردان با بهترینهای کاردان
۲۸	دانستنی‌ها

پیشگفتار

کاردان بهترین و با اعتبار ترین نهاد تحصیلی کشور

پوهنتون کاردان مفتخر است که با بدست آوردن اعتبار علمی در سطح ملی در صدر بهترین و با اعتبار ترین پوهنتونهای افغانستان قرار گرفته است و این دست‌آورد علمی به یقین که رهبری، استادان و تمامی اعضای هیات علمی این نهاد را بیشتر از پیش مصمم ساخته است؛ تا با تلاشهای پیگیر بیشتر از پیش به کارهای موثر بیشتر در عرصه علمی بپردازند.

بعد از پنج سال ارزیابی مستمر وزارت تحصیلات عالی ج.ا.ا، پوهنتون کاردان موفق شد با طی نمودن موفقانه مراحل تضمین کیفیت، اعتبار ملی اکادمیک خود را از این وزارت در سال جاری بدست آورد. پروسه ارزیابی تضمین کیفیت که به ابتکار وزارت تحصیلات عالی کشور آغاز شده بود؛ پس از بررسی ۱۶۷ پوهنتون و موسسه تحصیلات عالی دولتی و خصوصی در سه مرحله به پایان رسید که از میان تمامی پوهنتون‌ها و موسسات تحصیلات عالی فعال در افغانستان، فقط پنج پوهنتون توانستند با اخذ نمرات بلند به مرحله نهایی تضمین کیفیت رسیده و اعتبار ملی اکادمیک خود را بدست آورند که خوشبختانه پوهنتون کاردان در صدر قرار گرفت.

هیأتی از وزارت تحصیلات عالی ج.ا.ا پوهنتون‌ها و موسسات تحصیلات عالی دولتی و خصوصی را ابتدا ارزیابی و نمره‌دهی کردند که حداقل نمره کامیابی در این پروسه (۸۵) در نظر گرفته شده بود و پوهنتون کاردان با اخذ (۸۹,۵۴) نمره موفق شد، ضمن کسب اعتبار ملی اکادمیک خود در صدر پنج بهترین پوهنتون افغانستان نیز قرار گیرد. پروسه ارزیابی تضمین کیفیت از سوی وزارت تحصیلات عالی برای پنج سال مدار اعتبار می‌باشد. پس از پنج سال این پروسه دوباره بالای تمامی پوهنتون‌ها و موسسات تحصیلات عالی دولتی و خصوصی کشور از سر گرفته خواهد شد.

این دست‌آورد ارزنده رهبری و هیات علمی این کانون علمی را مصمم تر از همیشه ساخت تا تلاش نمایند جایگاه بدست آمده را حفظ و تقویت نمایند. به همین منظور در سال جاری پوهنتون کاردان چندین تفاهمنامه دیگر را در سطح ملی و بین‌المللی با نهاد‌های مختلف علمی به امضا رسانید.

بدون شک که نتیجه این تلاشها میتواند کاردان را نه تنها در سطح ملی بلکه در سطح بین‌المللی نیز از اعتبار عالی برخوردار سازد و این در حالیست که کاردان در طول سالهای گذشته اعتبار بین‌المللی خود را از نهاد‌های اعتبار دهی بین‌المللی از جمله یکی از نهاد‌های معتبر اعتبار دهی ایالات متحده امریکا توانست بدست آورد.

تحصیل در کانون‌های علمی معتبر آرزوی هر جوان آگاه است. به یقین میتوان گفت که بدست آوردن اعتبار علمی در سطح ملی و بین‌المللی در نهایت به محصلانی که در این پوهنتون تحصیلات خویش را به پایان می‌رسانند نیز تاثیر گذار است و یک مژده خیلی خوش برای همه خانواده کاردان می‌باشد.

مینه رحمانی از مدیریت تفریح‌گاه‌الی معاونیت علمی پوهنتون کاردان

گزارشگر: سمیع زرگزاده
محصل ژورنالیزم



فضای تفریحی سالم نداشتند چنین یک محیط را بنا کند.

مینه دست بکار شد و در مدت ۶ ماه توانست یک مرکز تفریحی را تحت نام استرایکرز بالینگ تاسیس نماید. بالینگ یک نوع بازی تفریحی می‌باشد که توسط توپ‌های نسبتاً سنگین پلاستیکی بازی می‌شود و بازیکن با پرتاب توپها به سمت پیشرو باید حدود ۱۰ وسیله شبیه دانه‌های شطرنج را سرنگون سازد که با سرنگونی همه آنها بازیکن بیشترین امتیاز را از آن خود می‌سازد.

بانو رحمانی مدت ۳ سال از ساعت ۸ صبح الی ۱۱ شام مدیریت تفریح‌گاه را بدست داشت و بدون خستگی همه کارها را مدیریت می‌کرد.

در این تفریح‌گاه که هم اکنون در شهر نو کابل فعالیت می‌کند، حدود ۲۵ تن به شمول بانو رحمانی ایفای وظیفه می‌کردند.

ادامه مطلب در صفحه ۲۹ ...



آنها را مجبور به مهاجرت کرد و خانواده او راهی پاکستان شدند

بانو مینه مکتب را در سن ۱۵ در لیسه سیده ام سلمه در کشور پاکستان به پایان رسانید و بعد از ختم دوره مکتب، در ظرف یک سال دیپلو خود را در زبان انگلیسی و کمپیوتر بدست آورد و بعد در یکی از انستیتوت‌ها کمپیوتر تدریس می‌کرد. او در سال ۲۰۰۷ لیسانس خود را در رشته اداره و تجارت از پوهنتون پرستن پاکستان به دست آورد، اما این تنها سفر تحصیلی وی نبود. او بعد از اتمام دوره لیسانس به کانادا سفر کرد و در کانادا توانست در یک سال در رشته تولید رسانه ای دیپلوم دوم خود را به دست بیاورد. او بعد ها ماستری خویش را در بخش انکشاف پایدار در پوهنتون واترلوی کانادا در سال ۲۰۱۶ به اتمام رساند.

بانو رحمانی در سال ۲۰۱۱ یکبار با مفکوره خدمتگذاری به مردم به افغانستان برگشت و با برنامه خیلی دشوار، برنامه ای که می‌خواست در کشور جنگ زده افغانستان برای خانواده‌های افغان که

بانو رحمانی یک خانم به تمام معنی مصممی است که در سال ۲۰۱۱ مدیریت یک تفریح‌گاه را به دوش داشت، اما به اثر تلاشهای وی در مدیریت این تفریح‌گاه امروز معاونیت علمی بهترین پوهنتون افغانستان، پوهنتون کاردان را به دست دارد.

بانو رحمانی را در دفتر کارش در معاونیت علمی پوهنتون کاردان ملاقات کردم، خلاف تصویری که از او داشتم او بانوی جوانیست که به مشکل میتوان تصور کرد معاونیت علمی پوهنتون کاردان را به دوش دارد. و می‌گوید که معاونیت علمی پوهنتون کاردان یک چالش بزرگیست که بعد از مدیریت برنامه ماستری اداره و تجارت پوهنتون کاردان تجربه می‌کند، ولی خیلی مشکل ساز نیست؛ او می‌خواهد به تجاریش بیافزاید.

بانو رحمانی دخت کابل نشین که در سال ۱۳۶۵ در کابل متولد شد، مکتب را در سن چهار سالگی آغاز کرد و تا صنف چهارم در مکتب لامعه شهید مکرویان ادامه داد، اما جنگهای داخلی

کودکان افغان و آینده نا روشن

گزارشگران: نازنین و اسما ایوبی

اگر کار کند و پول بدست بیاورد، چپس می‌خورد در غیر آن با شکم گرسنه راهی خانه میشود.

او گفت: «اکثر روزها در مکتب غیرحاضر می‌شوم. از بس خسته می‌باشم نمی‌توانم درس‌هایم را به خوبی بخوانم مجبور استم هم کار کنم و هم مکتب بروم؛ چون خانه ما کرایبی است و باید سه هزار افغانی کرایه خانه را من با مادرم پیدا کنیم.»

هر یک از کودکان دوره گرد شهر کابل داستانی درد انگیزی از زنده گی خویش بیان می‌دارند که همه، سایه سنگین فقر و مجبوریت را به تصویر می‌کشند. محمود ۱۳ ساله در کارته سه شهر کابل، برای پیدا کردن پول در بس کار میکند. او گفت: «در مکتب دولتی بودم؛ ولی با غیرحاضری‌های دوام دار از مکتب محروم و بعدا اخراج شدم. باید یا مکتب میخواندم و یا کار می‌کردم. من بخاطر این که خانواده ام گرسنه نمانند مجبور شدم کار را انتخاب کنم. آینده ام نامعلوم است چون میدانم کسی که درس نخواند، ادم «بی‌کاره و ایلایی» میشود.»

او با نارضایتی می‌گوید: «آرزو داشتم داکتر شوم؛ ولی زمانی که دانستم از مکتب اخراج شدم می‌خواهم یک موتر بگیرم، تا زیری دست کسی نباشم و سرم فشار نیاورند و پولی بیشتری برای فامیلم بدست بیارم، اما داشتن یک موتر نیز پول میخواهد که من ندارم.» وی می‌گوید که پیامش به پدران و مادران این است که باید کودکان شان را به درس خواندن روان کنند، تا مجبور نشدن کودکان شان را به کار روان نکنند.

ادامه مطلب در صفحه ۲۹ ...



وی می‌افزاید که از خسته گی زیاد نمی‌تواند به درس‌هایش علاقه بگیرد و اگر همینطور جریان پیدا بکند ممکن است در آینده‌های نزدیک دیگر مکتب نرود.

اما میوند نیز تنها کودکی نیست که قربانی این پدیده شده است صدها میوند و روینای دیگر روزانه در سرکهای کابل سرگردانند تا لقمه نانی را برای خانواده‌های شان تهیه کنند.

فریدون ۱۱ ساله، با برادرش رامین ۱۳ ساله، در منطقه مکرویان کهنه شهر کابل مشغول فروش کیف‌های پلاستیکی هستند. آنان می‌گویند ساعت ۶ صبح از خانه بیرون میشوند و شب دیر وقت به خانه برمیگردند. آنان درآمدشان را به پدر و مادر شان میدهند تا مخارج خانه تامین شود و برای آنان مکتب رفتن یک آرزوی دست نیافتنی شده است.

احمد کودک ۱۲ ساله دیگری است که در پارک شهرنو بوت رنگ می‌کند. او ارزو دارد که درس بخواند اما کار کردن این فرصت را از او گرفته است. ارسلان کودک ۹ ساله‌ی است که در منطقه ده افغانان مصروف رنگ کردن بوتهای مردم است. ارسلان از وضعیت زندگی خود چنین می‌گوید: «پدرم مرده است، شش خواهر دارم و با مادرم در یک خانه کرایبی زندگی می‌کنیم.»

او می‌گوید که پدرش همراه با دو کاکایش در یک حادثه ترافیکی جانهایشان را از دست دادند و بعد از مرگ پدر مادرش با لباس شویی و کار در خانه مردم لقمه نانی برای آنان آماده میکند. او هم تلاش می‌کند با مادرش همکار شود.

او می‌گوید: «صنف چهارم مکتب استم. شب تا ساعت ۱۱ درس میخوانم؛ ولی امروز خوابم برده بود و مکتب رفته نتوانستم.» به گفته او نان چاشت را

روینا در حالی که کرتی چرمی سیاه رنگ کهنه، جوراب‌های زمستانی و چپک‌های چرمی بهاری به پا داشت با احتیاط از میان گل‌ولای عبور میکرد. پاهای کوچک روینا در گل‌ولای فرو میرفت و بعد، آن را به سختی از گل بیرون می‌کرد. اینک جوراب‌هایش کاملاً گل‌لود شده بودند. این گل‌ناشی از برفی و بارانی بود که شب قبل باریده بود. روینا که هفت سال دارد می‌گوید که اول بامداد با دو برادرش کنار جاده‌ها می‌ایستاد تا تخم مرغ‌های که به دست دارند را بفروشد.

پدر روینا بی‌کار است و آنان با اندک معاش مادرش که در یکی از مکاتب به حیث اشپز کار می‌کند زندگی را می‌گذرانند.

فقر شدید، بی‌کاری و بی‌سرپرستی شماری از خانواده‌ها باعث شده که اطفال زیادی در سراسر افغانستان مجبور به کار شوند و از بام تا شام در خیابان‌ها با انجام کارهای شاق اندک پولی بدست بیاورند تا باشد که لقمه نانی بر سر سفره خانواده‌هایشان افزوده شود.

میوند ۱۰ سال دارد. او نان اور خانواده شده و روزانه باید تلاش بکند تا لقمه نانی برای فامیلمش ببرد. حاصل تلاش روزانه اش ۱۰۰ تا ۱۵۰ افغانی میباشد، درآمد ناکافی پدر و ناداری، این کودک را مجبور به کار کردن ساخته است.

او می‌گوید که در فامیل ۴ نفر هستند، پدرم ترکاری می‌فروشد و من کوشش میکنم تا با پول که روزانه به دست می‌آورم کمکی به خانواده ام بکنم. میوند که صنف ۴ مکتب میباشد، به درستی به درس‌هایش رسیده گی نمی‌تواند و در جریان درس هنوز هم فکر میکند در کار است و تحت فشار کار فرما قرار می‌گیرد.



د ودانیو اقتصادي حسابونو ته لنډه کتنه

انجنیر گل رحمن عبدالرحیم زی

د سیول انجنیرۍ ډیپارټمنټ آمر



غیر مستقیم لگښتونه د مستقیم لگښتونو د پرتله کولو په اساس اندازه کیږي او د پروژې په اقتصادي حسابونو کې د څارنې پروسه ترسره کوي.

د ساختماني محصولاتو لگښتونه په درې برخو وېشل شوي دي:

پلان شوی مجموعي لگښت: د د لگښت اندازه د ودانیزو محصولات د چمتو کولو، د ادارو د اقداماتو اسانتیاوې او تاسیساتو د شرایطو په اساس د کاري تجهیزاتو لپاره ټاکل کیږي.

د پروژې اټکل شوی مجموعي لگښت: د مستقیم او اضافي لگښتونو مجموعه ده چه د ریاضیکي حسابونو په نتیجه کې ټاکل کیږي. د پروژې حقیقي لگښت: د رغونې ټول حقیقي لگښت په عموم ډول د ودانیزو په تولید کې دی.

د عادي تولیداتو او د کارمندانو دښه فعالیتونو او د خدماتو د تنظیم کولو دپاره د اقتصادي حسابانو په اساس پرمستقیم

ادامه مطلب درصفحه ۳۰ ...



په اټکل شوي ارزښت کښې مستقیم لگښتونه، غیر مستقیم لگښتونه او پلان شوې گټه شاملیږي، چې هر یو یې لاندې بیان شوي:

مستقیم لگښتونه: مستقیم لگښتونه د ماشینونو کارول، د توکو ارزښت او د کارمندانو معاشونه دي چې په مستقیم ډول د تولید په پروسه کې برخه اخلي. غیر مستقیم لگښتونه: اداري مصارف، د اداري کارمندانو معاشونه، ترانسپورت، د ترمیم لگښت، د تجهیزاتو لگښت، د ساحې د ساتنې مصارف، د خدماتو لگښتونه او نور دي. د اقتصادي محاسبې د ترکیب سره سم، غیر مستقیم لگښتونه د مستقیم لگښتونو د لس نه تر پنځلس فیصدو منل کیږي. غیر مستقیم لگښتونه او د فرعي سطحې لگښتونه د ودانیزو تولیداتو د تولید د پروسې په فعالولو کې مرسته کوي.

پلان شوې گټه: ساختماني شرکتونه د خپلو راتلونکو فعالیتونو د پراختیا لپاره پیسو ته اړتیا لري او دا پیسې د پلان شوې گټه له لاری چمتو کیږي.

د انجنیري اقتصاد: د اقتصاد د علم یوه څانګه ده، او د سیستمونو، محصولاتو او خدماتو د اټکل لگښتونو او ارزښتونو د تحلیلي میتودونو لپاره کارول کیږي. د انجنیري ستونزو په حل کې بریالیتوب اکثراً د اقتصادي او تخنیکي عواملو د بیاکتنې او تحلیل پورې اړه لري. د انجنیرانو مهارتونه د اقتصادي تحلیل بنسټیزو مفکورو ته اړین دي او دوی باید د کار د اقتصادي تفسیر مسؤل وي. د انجنیري اقتصاد د ملکیت د اقتصادي قوانینو پر مطالعه، د ودانیو پراختیا او دهغو د تولید پر تنظیم کولو کې اړین رول لوبوي. د انجنیري اقتصاد د تخنیکونو یوه داسې ټولګه ده چې د اقتصادي اصولو پر بنسټ د غوره انتخاب، پرتله کول او د لگښتونو اداره کول یې اساسي موخه ده. همدا دلیل دی چې د اقتصاد پوهه د انجنیري او ودانیو په ډګر کې خورا مهمه ده. اودا علم د ممکنه کاري شرایطو پر اساس د محصولاتو د عرضه کولو شرایط او عوامل چمتو کوي.

د انجنیرانو سره د ودانیو د تولید لپاره مختلف انتخابونه موجود دي، چې ټول یې تخنیکي اړخ لري. مګر، دا د انجنیري اقتصاد دی چې بیلابیل تخنیکي او اقتصادي امکانات په ګوته کوي او د اقتصاد له نظره ممکن او مؤثرترین انتخاب غوره کوي. کله چې انجنیرانو د انجنیري ډیزاین په پریکړو کې اقتصادي تحلیل ته مخه کړه نو د انجنیري اقتصاد ته اړتیا احساس شوه ترڅو د انجنیري د اقتصاد منطقي او ریاضیکي میتودونو په کارولو سره د ودانیو پر مؤثر او اقتصادي پریکړو کې مرسته وکړي.

د ودانیو اقتصادي محاسبات د ودانیو د اټکل شوي ارزښت څخه پیل کیږي.

روش درست مطالعه

عبدالمدثر رستمی

محصل حقوق



می‌شویم و دروس و مطالب نزد ما خلط می‌شود. به نظر می‌رسد که مشکل در انتخاب روش درست مطالعه و یادگیری است. بنابراین برای اینکه بتوانیم کتاب‌ها، مقاله‌ها، دروس و غیره مطالب را به شکل آسان و سهل بیاموزیم، بهتر است از روش یا فرمول ذیل استفاده کنیم:

گام دوم: از همان موضوع که خواندیم سؤال و جواب تهیه می‌نمایم.

گام سوم: سوال و جوابی را که تهیه نمودیم می‌خوانیم.

گام چهارم: همان سؤال و جواب را حفظ می‌نمایم.

گام پنجم: همان سؤال و جوابی را که تهیه نمودیم هم حفظ و هم تکرار می‌کنیم.

گام ششم: مرحله تشخیص و شناسایی است و زمانی که چندین مطلب را بخواهیم یاد بگیریم، ممکن نزد ما سوال پیدا شود که در این مرحله ما تشخیص می‌دهیم؛ که کدام مطلب مربوط به کدام موضوع می‌شود.

در اخیر می‌خواهیم نوشته خود را با یک جمله زیبا پایان دهیم.

دانش وحشتناک‌ترین پدیده برای یک دیکتاتور است، زیرا ملتی که آگاه و دانا باشد، هیچ گاهی برده دیکتاتوری نخواهد شد.

می‌شویم و دروس و مطالب نزد ما خلط می‌شود. به نظر می‌رسد که مشکل در انتخاب روش درست مطالعه و یادگیری است. بنابراین برای اینکه بتوانیم کتاب‌ها، مقاله‌ها، دروس و غیره مطالب را به شکل آسان و سهل بیاموزیم، بهتر است از روش یا فرمول ذیل استفاده کنیم:

فرمول یادگیری P.Q.R.R.R =====

Preview

پیش دید

Question

سؤال ساختن

Read

خواندن

Registration

حفظ کردن

Registration & Repeat

حفظ و تکرار کردن

Recognition

مشخص کردن و شناسایی کردن

در گام اول: موضوع را که می‌خواهیم

مطالعه موضوع مهم در زندگی ما انسانها است که در هر برهه ای از زندگی که قرار داشته باشیم؛ نیاز به مطالعه داریم و مطالعه نه تنها که ما را در پیشبرد با تدبیر زنده گی مان یاری میرساند، بلکه ما را قادر می‌سازد تا به دیگران نیز همکاری نمایم. یعنی اگر مطالعه ما بیشتر باشد، سطح آگاهی و اطلاعات ما بیشتر باشد؛ با تحقیقات بنیادی و کاربردی که انجام میدهیم مجهولی را پاسخ می‌گوییم؛ باعث توسعه و گسترش قلمرو دانش عمومی بشر می‌شویم.

چنانچه رسول الله (ص) می‌فرماید: ز گهواره تا گور دانش بجوی. با این گفته اهمیت مطالعه را برای ما بیان می‌کند که تا در قید حیات هستیم مطالعه نمایم و دانش بجوییم.

اما سوال در اینجا است که چگونه درست مطالعه نمایم که مؤثر باشد؟ اکثرا متعلمان و محصلان میگویند چرا هرچه مطالعه می‌نمایم و درس می‌خوانیم به نتیجه خواسته شده‌ی خود نمی‌رسیم و هنگامی که می‌خواهیم مطالعه نمایم کم حوصله

تعاون و تنش دو رویکرد متفاوت روسیه با آمریکا

نویسنده: روح‌الله کاپیسا صوفی زاده

محصل ماستری روابط بین‌الملل



تا حدودی کشور های آسیای مرکزی داشت؛ اما از سوی دیگر روسیه نیز برای پایان بحران چین و سرکوب مسلمانان استقلال طلب چینی، با استفاده از موضوع مبارزه با تروریسم می‌توانست به سرکوب مردم چینی اقدام نماید. این شکل از منافع مشترک بطور نسبی و با رضایت روسیه تا حدودی زمینه نفوذ آمریکا را در حوزه آسیای مرکزی، از طریق تاسیس پایگاه های نظامی از سوی آمریکا، به همکاری مشترک نظامی میان آمریکا و کشور های آسیای مرکزی فراهم ساخت.

نکته دیگر را که می‌توان در این دوره زمینه ساز همکاری نسبی میان آمریکا و روسیه بیان نمود؛ شرایط اقتصادی روسیه و بحران های باقی مانده از دهه (۱۹۹۰) در اقتصاد روسیه بود که پوتین با اتخاذ سیاست همکاری جوانه با آمریکا تلاش داشت تا با استفاده از کمک های اقتصادی غرب ثبات اقتصادی را در روسیه ایجاد نماید. از سال (۲۰۰۳) به بعد ما به تدریج شاهد افزایش قیمت جهانی انرژی بخصوص نفت و گاز بودیم که این مساله با

های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی غربی بوده است.

اما با روی کار آمدن پوتین در سال (۲۰۰۰) ما شاهد آن هستیم که در حوزه داخلی پوتین میتواند دو گروه سیاسی را در این کشور با خویش همراه سازد.

دسته اول غرب‌گرایان و دسته دوم که به طور کامل مخالف گروه اول اند، شوروی‌گرایان است. در این سیاست پوتین از لحاظ داخلی به طور کامل موفق می‌باشد و با این رفتار در حوزه سیاست خارجی نیز تا حدودی فراوانی، اعتماد کشور های غربی را به طور نسبی حاصل می‌نمایند. با وقوع حادثه (۱۱) سپتامبر به دنبال آن حضور ایالات متحده آمریکا در افغانستان برای پیش برد موضوع مبارزه با تروریسم؛ در مورد دو قدرت روسیه و ایالات متحده آمریکا می‌توان گفت؛ بطور موقت، منافع راهبردی کوتاه مدت را برای یکدیگر تعریف می‌نمایند؛ زیرا از یک سو ایالات متحده آمریکا برای مساله مبارزه با تروریسم نیاز به جایگاه تثبیت شده در افغانستان، حوزه جنوب آسیا و

در خصوص سیاست خارجی روسیه پس از جنگ سرد، ما شاهد نوعی غرب‌گرایی در سیاست خارجی روسیه در قبال ایالات متحده آمریکا بودیم. اما به تدریج روسها متوجه می‌شوند که تضاد میان آمریکا و این کشور، یک تضاد بنیادین است که در واقع مربوط به اختلافات ایدئولوژیک میان کمونیسم دوران اتحاد جماهیر شوروی و اتخاذ سیاست های همکاری جوانه «یلتسن» با ایالات متحده آمریکا، بطور طبیعی می‌بایست منافع روسیه تامین می‌گردید. اما آنچه را که شاهد بودیم گسترش نفوذ و قدرت ایالات متحده آمریکا در مناطق تحت نفوذ سنتی روسیه یعنی اروپای شرقی و کشور های آسیایی مرکزی در دوره «یلتسن» بوده است.

در حوزه آسیای مرکزی نیز تلاش برای حمایت از حرکت های دموکراسی خواهانه و گسترش سیستم های اقتصادی بازار آزاد از سوی ایالات متحده آمریکا منجر به کاهش نفوذ و جایگاه روسیه در این مناطق گردید. در واقع در دهه (۱۹۹۰) اشتباه کلان سیاست خارجی یلتسن اعتماد کامل به غرب و نهاد

افزایش قیمت این اقلام سبب تقویت اقتصاد روسیه و وابسته گی کمتر این کشور به کمک های غربی در حوزه اقتصاد بوده است.

زمانیکه حرف از تنش میان روسیه و آمریکا به زبان میاوریم این تنش بنیادین را در چهار دوره ذیل میتوان به بررسی گرفت. دوره اول دوره سالهای (۲۰۰۰) تا (۲۰۰۵) دوره دوم دوره سالهای (۲۰۰۵) تا (۲۰۰۸) بحران گرجستان، دوره سوم سالهای (۲۰۰۸) تا (۲۰۱۳) بحران اوکراین، دوره چهارم (۲۰۱۳) تا اکنون که شامل جنگ سوریه میگردد.

دوره اول: سالهای (۲۰۰۰) الی (۲۰۰۵) دو عنصر اساسی در روابط روسیه با ایالات متحده آمریکا تاثیر گذاری فراوانی داشته است، اول موضوع مبارزه با تروریسم دوم شرایط خاص اقتصادی روسیه... در خصوص عامل اول تا حدودی در فوق صحبت نمودیم. بدین معنی که سرکوب استقلال طلبان چچینی از سوی روسیه توسط آمریکا مورد تأیید قرار میگردد و در مقابل روسها نیز با حضور پررنگ آمریکا در افغانستان جنوب آسیا و تا حدودی آسیای مرکزی موافقت می نمایند. عامل دوم یعنی شرایط اقتصادی روسیه تا حدودی فراوانی متأثر از دهه ۱۹۹۰ و بحران اقتصادی روسیه میباشد که در نتیجه آن پوتین برای ایجاد ثبات اقتصادی که نتیجه آن افزایش رضایت مردم و ثبات سیاسی در روسیه بود، تلاش می نماید در سیاست خارجی خود موقف همکاری جویانه با ایالات متحده آمریکا را اتخاذ نماید.

اما یک نکته بنیادین در روابط روسیه بعد از سال (۲۰۰۰) همواره مطرح بوده است. بدین مفهوم که اگر شرایط اقتصادی روسیه را به بررسی بگیریم به میزانیکه اقتصاد روسیه رشد پیدا کرده است سیاست خارجی این کشور از همراهی و همسویی با ایالات متحده آمریکا دور گردیده است. یکی از عناصری که شرایط اقتصادی روسیه را

بهبود فراوانی بخشید؛ بالا رفتن قیمت جهانی انرژی بود و از آنجایی که روسیه بزرگترین تولید کننده گاز جهان و یکی از بزرگترین تولید کننده گان نفت جهان بوده است؛ بنابراین بالا رفتن قیمت انرژی در سطح جهان به همراه سیاست های (اقتصادی پوتین) و ثبات سیاسی موجود در روسیه، تمامی این عناصر در تغییر سیاست خارجی روسیه در قبال آمریکا تاثیر گذار بوده اند.

دوره دوم بحران گرجستان: در این دوره ما شاهد بحران گرجستان که تاثیر عمیقی بر روابط روسیه و ایالات متحده آمریکا داشت، هستیم. از سالهای (۲۰۰۵) به بعد به تدریج انتقاد های روسیه از سیاست های غرب و ایالات متحده آمریکا آغاز می گردد.

عمده این انتقادات از سوی روسیه نسبت به ایالات متحده آمریکا، در خصوص گسترش ناتو به حوزه اروپای شرقی، گسترش اتحادیه اروپا حمایت ایالات متحده آمریکا از انقلاب های رنگین در کشور های حوزه نفوذ روسیه در مناطق قفقاز و اروپای شرقی و همچنین آغاز تدریجی انتقادات روسیه نسبت به موضوع مبارزه با تروریسم از سوی آمریکا و متحدان آن بوده است.

بحرانی که به شکل عمیق سیاست خارجی روسیه را دچار تغییر میسازد بحران گرجستان است که در قالب لشکر کشی روسیه به این کشور و شکست آن به دلیل حمایت آمریکا اتفاق می افتد. گرجستان به عنوان کشوری که در منطقه ی قفقاز قرار گرفته است از لحاظ استراتژیک به دلیل همسایه گی به این کشور و دسترسی به دریای سیاه برای روسها دارای اهمیت ژئوپولوتیک بوده و گرایش سیاست خارجی گرجستان به ایالات متحده آمریکا یکی از کشور های مهم که جز حوزه نفوذ سنتی روسیه را از این کشور می گیرد می باشد. پس از این بحران ما شاهد ایجاد زمینه ها و بستر های بیشتر بحران در سیاست

خارجی روسیه در سالهای (۲۰۰۸) هستیم. دوره پس از (۲۰۰۸) در سیاست خارجی روسیه که در افغانستان نیز تاثیر گذار است، آغاز تماس های روس ها با برخی گروه ها مانند طالبان است.

دوره سوم بحران اوکراین: یکی از نکات مهم در خصوص بحران اوکراین و دیپلوماسی روسیه در قبال این بحران تلاشی است که روسها در جریان چنین بحرانی ارایه کردند که بر اساس آن بر اروپاییان ترس شدیدی از بابت رفتار روسیه نسبت به شبه جزیره کریمیه پدیدار شد.

به سخن دیگر موفقیت روسها بر اساس تجربه تاریخی آنان برخلاف بسیاری از دوره های دیگر این بود که روسیه می تواند منافع استراتژیک خود را در مناطق مانند اروپای شرقی دنبال نماید؛ ولی ترس را در اذهان اروپاییان ایجاد ننماید؛ زیرا در صورتی که اروپاییان از رفتار روسیه دچار نگرانی شوند به شدت از سیاست های آمریکا در قبال تضعیف روسیه و مقابله با آن، روی خواهند آورد. در بحران اوکراین سیاست روسها از چنین ویژه گی برخوردار بود؛ اما واکنش شدید اروپاییان را در همکاری با آمریکا به دنبال نداشت. ویژه گی دیگر سیاست خارجی روسیه در این دوره غیر ایدئولوژیک بودن سیاست خارجی روسیه در دوره ولادمیر پوتین است.

دوره چهارم بحران سوریه: اهمیت سوریه بخاطر دریای مدیترانه که سه قاره اروپا، آفریقا و آسیا را باهم وصل نموده است میباشد، سوریه دارای مساحت ۸۶ هزار کیلومتر بوده و دارای اقلیت های دینی و مذهبی شامل: ۷۰٪ سنی ۱۳٪ علوی و بین ۵۰۰ الی ۷۰۰ هزار عیسوی میباشد.

ادامه مطلب در صفحه ۳۱ ...



د علامه اقبال ورځنی ژوند

لیکوال: زاهد جلالی

د سیاسي علومو او نړیوالو اړیکو ډیپارټمنټ آمر



حکمت الهي ورکړه ده؛ خو د پوهې تر لاسه کولو او له تجربو او سفرونو وروسته دغه الهي ورکړه لا پراخېدای شي. د سترو او حکیمو انسانانو ژوند د حکمت یوه مهمه سرچینه ده. علامه محمد اقبال (۱۸۷۷-۱۹۳۸) چې د شرق ستر حکیم او فیلسوف دی، پر فکر و فلسفه یې ډېر څه لیکل شوي، خو ورځنی ژوند یې، په ځانگړې توگه زموږ خلکو ته ډېر ښکاره نه دی.

د (Hundred Years of Iqbal Studies) مقالو ټولگه کې چې پاکستان د ادبیاتو اکادمۍ له لورې په ۲۰۰۳م کال کې خپره شوې ده، یوه برخه یې د علامه اقبال له مشهور خادم، علي بخش، سره یوه مرکه ده چې ممتاز حسن ورسره په ۱۹۵۷م کال کې په لاهور کې کړې. دغه مرکه چې، په پنجابي ژبه ترسره شوې او وروسته انگرېزي ته ژباړل شوې، ډېره په زړه پورې ده. د علامه اقبال خادم چې هره شېبه ورسره و، د هغه ورځنی ژوند یې ښکاره کړی او د هغه د ژوند ځینې ناڅرگند اړخونه یې برسېره کړي دي.

علي بخش وايي چې اقبال به سهار وختي له خوبه پاڅېده. په لور او ښکلي آواز به یې قرآن لوست، خو کله چې یې ستونی خراب شو، تلاوت به یې له ځان سره کاوه. له دې وروسته به پر څوکی کېناست او چلم به یې مخې ته کېښود. دا چې هغه مدافع وکیل و، دغه وخت کې به یې ځینې قضیې هم له نظره تېرولې او کله نا کله به یې مزاج شاعرانه و. هغه چې به کله شعر لیکه ډېر فشار به پرې و، ناراحت به و. دغه وخت کې به یې کتابچه، پنسل او قرآن غوښت. کوم شعر چې به یې خوښ نه شو، بېرته به یې پاک کړ.

زیاتوي چې پلار یې اجازه نه ورکوله چې د ډېر لگښت جامي یا بوتان پر ځان کړي. هغه به ویل: «ته د فیوډال زوی نه یې». د اسلام آباد د شکرپریا سیمه کې د تاریخي یادگار په خونه کې د اقبال جامو، بوتانو، چلم او نورو شیانو ترڅنگ د هغه شخصي کتابچه هم پرته ده چې د کور ټول لگښت یې په کې ثبتاوه.

علي بخش وايي چې علامه اقبال به له محکمې له راگرځېدو وروسته رسمي کالي ژر ایسته کول. هغه رسمي جامې نه خوښولې. له دې وروسته به یې ډېری وخت خپله کتابچه، یو پنسل او قرآن وغوښت او شعر به یې لیکه. سبا که بیا محکمې ته ورته، نو د سبا ورځې دوسیې به یې وکتلې.

نرمي او زړه خوږی د اقبال یوه بله ځانگړنه وه. علي بخش دغه راز وايي چې هغه نه خپل درد زغملاي شواي او نه د بل وینې ته یې نه شو کتلاي.

اقبال که څه هم په لندن او میونخ کې زده کړې کړې او د وخت مشهور عالم و، خو حکومتي دندو کې یې بوختېدل نه خوښول. هغه به ویل چې د دغسې دندو پر مهال نه شي کولای آزادانه قلم و خوځوي او د انگرېزي استعار پر ضد څرگندونې وکړي. نو د هغه د ژوند مالي سرچینه مدافع وکالت و. د هغه خادم وايي چې اقبال غوښتل د کورنۍ د میاشتني لگښت له پاره یوازې پنځه سوه روپۍ ترلاسه کړي. هغه که دغه اندازه پسې د میاشتې په پیل کې ترلاسه کولې، د میاشتې تر پایه یې نور کار نه کاوه.

ساده گي او لږ مصرف د اقبال د ژوند یوه ځانگړنه وه. د هغه زوی، جاوید اقبال، د خپل پلار په اړه مقاله کې (He was my Father) لیکي چې مور به خپه وه چې ولې خپل شخصي کور نه لري؛ خو د ۱۹۳۵م کال په می کې دغه هیله ترسره شوه، مگر مور نوي کور ته د انتقال په درېیمه ورځ وفات شوه. جاوید دغه راز

چطور اختلافات را با ظرافت حل کنیم؟

نویسنده: ایمل منصور

محصل علوم سیاسی و روابط بین الملل



۵- مصالحه:

گاهی دوطرف برحسب برداشت شان از موقعیت راه حل مصالحه را می‌پذیرند. این راه حل گرچه اغلب بر وفق مراد نیست. در برخی شرایط عاقلانه به نظر می‌رسد! برنده - بازنده/ بازنده - برنده.

۶- توافق نظر:

توافق نظر بر اساس راه حل جدیدی صورت می‌گیرد که مورد توافق دوطرف است. حاصل آن برخلاف وضعیت مصالحه برنده - برنده است، چون در این صورت هیچ یک از دوطرف ناچار به صرف نظر از موضع خود نخواهند بود؛ بلکه به کمک یکدیگر راه حل سومی را ارایه می‌کنند.

شاید بهترین و ظریف‌ترین راه برای حل اختلافات همین راه توافق نظر است که بر اساس آن مصالحه صورت می‌گیرد و اختلاف از میان برداشته می‌شود که به این ترتیب بازنده ای وجود نخواهد داشت.

«ناکامی‌های ما به دلیل شکست هایمان نیست؛ بلکه به دلیل اختلافاتی است که در آنها شرکت نمی‌کنیم».

به منظور پیروزی بر رقیب و تحکیم موقعیت فرد در مقابل مقاومت دیگران به کار گرفته می‌شود. حاصل وضعیت برنده - بازنده است.

۳- تسلیم:

کسانی که در اختلافات تسلیم می‌شوند، در واقع اختلافات را از طریق عقب نشینی یا قبول باخت حل می‌کنند. حاصل وضعیت بازنده - برنده است.

۴- شانه خالی کردن از مسوولیت:

کسانی که اختلاف آن‌ها را مستاصل می‌سازند اغلب تصمیم‌گیری و به دنبال آن رویارویی را به فرد ذیصلاح دیگری واگذار می‌کنند که معمولاً مقامش از خودشان بالاتر است. این فرد صاحب اختیار اختلاف را از سوی آن‌ها حل می‌کند، ولی این حل اختلاف لزوماً عاقلانه یا به نفع صاحب اختلاف انجام نمی‌گیرد. این خطر وجود دارد که هر دوطرف در اختلاف بازنده شود وضعیت بازنده - بازنده.

به منظور جلوگیری از رسیدن به بن‌بست و اتهام زنی و برای برقراری مجدد ثبات و ارتباط متقابل باید، به اختلافات پرداخته شود. موضوع این است که این کار چطور باید انجام شود؟ در اصل شش راه مختلف برای پرداختن به اختلافات وجود دارد: فرار، جنگ، تسلیم، شانه خالی کردن از مسوولیت و مصالحه یا رسیدن به توافق نظر.

۱- فرار:

فرار به معنی اجتناب است. در این حالت به اختلاف پرداخته نمی‌شود و اوضاع به همان شکلی که بود باقی می‌ماند. می‌توان فرض را بر این گذاشت که در این صورت چیزی عاید هیچ یک از دوطرف نمی‌شود. حاصل وضعیت بازنده - بازنده است.

۲- جنگ:

کسانی که با حالتی تهاجمی با اختلافات برخورد می‌کنند، فقط یک هدف دارند؛ برنده شدن؛ ولی فقط برنده شدن کافی نیست، چون هر جنگی یک بازنده هم دارد. این روش

علل توسعه نیافتگی اقتصادی در افغانستان

نویسنده: ویندا صمیم

سطح زندگی افراد مانند: درآمد، مصرف مواد غذایی، خدمات بهداشتی و آموزشی از طرق مناسب رشد اقتصادی، ایجاد شرایط که موجب رشد عزت نفس افراد شود و افزایش آزادی‌های آنها.

همچنان در فرهنگ لغات آکسفورد، توسعه در لغت به معنی رشد تدریجی در جهت پیشرفته تر شدن، قدرتمند تر شدن و حتی بزرگ‌تر شدن است. بروکفیلد در تعریف توسعه می‌گوید: "توسعه را باید برحسب پیشرفت به سوی اهداف رفاهی؛ نظیر کاهش فقر، بیکاری و نابرابری تعریف کنیم".

گونار میردال می‌گوید: توسعه حرکت رو به بالای کل نظام اجتماعی است. وی همچنان می‌افزاید که این نظام اجتماعی علاوه بر عوامل به اصطلاح اقتصادی تمامی عوامل غیر اقتصادی را در بر می‌گیرد.

بنابراین دیده می‌شود توسعه از مفاهیمی است که اندیشمندان درباره آن اتفاق نظر ندارند و هر کس آنرا متناسب با دیدگاه‌ها، باورها و اعتقادات خود تعریف می‌کند. اما دانشمندان علم توسعه، که به تعریف توسعه پرداخته اند همگی آنها در این تعریف اتفاق نظر دارند که توسعه "فرایند حرکت جوامع از وضعیت موجود به سمت وضعیت مطلوب است".

به طور کلی توسعه جریانی است که در خود، تجدید سازمان و سمت‌گیری متفاوت کل نظام اقتصادی-اجتماعی را به همراه دارد. توسعه علاوه بر اینکه بهبود میزان تولید و درآمد را دربر دارد؛ شامل دگرگونی‌های اساسی در ساخت‌های نهادی، اجتماعی-اداری و دیدگاه‌های عمومی مردم است. توسعه در بسیاری از

آرامی است. همه کشور های عقب مانده تمایل دارند بر ظرفیت و توان مادی، انسانی و معنوی کشور خود بیفزایند و در پناه تکامل توانایی‌های اقتصادی قدرتمند داشته باشند.

کشور عزیزمان افغانستان نیز از این امر مستثنی نیست. کشور ما حدود چندین سال است که درگیر بحران است. دلایل و علل بحران هرچه باشد؛ این بحران سبب شد که ما سالها از قافله تمدن بشری عقب بمانیم. دسترسی به بهداشت، مسکن، آموزش، اشتغال و لوازم اولیه زندگی امروزی حق هر شهروند محسوب می‌شود؛ ما نه تنها از این امتیازات برخوردار نیستیم؛ بل در بسیاری مناطق کشور مردمان زیادی به دلیل گرسنگی با مرگ دست و پنجه نرم می‌کنند. تا آخر این بحث به این سوال‌ها پاسخ دریافت خواهیم کرد که کدام عوامل سبب توسعه نیافتگی اقتصادی گردیده است؟ چه کنیم تا از این وضعیت رهایی یابیم؟

اما قبل از پاسخ به این سوال‌ها باید شناخت از مفهوم توسعه و توسعه اقتصادی داشته باشیم.

تعریف توسعه: توسعه در لغت به معنی وسعت دادن فراخ کردن است و در اصطلاح عبارت است از: بهبود رشد و گسترش همه شرایط و جنبه‌های مادی و معنوی زندگی اجتماعی. با گسترش ظرفیت نظام اجتماعی برای برآوردن احتیاجات محسوس یک طبقه، امنیت ملی، آزادی فردی، مشارکت سیاسی، برابری اجتماعی، رشد اقتصادی، صلح و موازنه محیط زیست؛ مجموعه‌ای از این احتیاجات است. یا فرایند بهبود بخشیدن به کیفیت زندگی افراد جامعه. جنبه‌های مهم توسعه عبارتند از؛ ارتقاء

توسعه اقتصادی هدفی است آرمانی برای اغلب کشورها، به خصوص کشورهای جهان سوم که همواره از این توسعه محروم بوده‌اند. و افغانستان نیز از این امر مستثنی نیست. در این بحث به علل توسعه نیافتگی افغانستان و راه حل آن می‌پردازیم. توسعه نیافتگی اقتصادی افغانستان علل و عوامل مختلفی دارد؛ مانند: عدم وجود امنیت، نبود نیروی کار متخصص و سالم، اعتماد به مواد مخدر، رشد بی‌رویه جمعیت، فساد اداری، نبود عدالت اجتماعی و اقتصادی ...

توسعه از مفاهیمی است که اندیشمندان در باره آن اتفاق نظر ندارند و هرکس آن را متناسب با دیدگاه‌ها، باورها و اعتقادات خود تعریف می‌کند. برخی آن را معادل رشد اقتصادی و بعضی پیشرفت اقتصادی از جهات گوناگون میدانند. صاحب نظران دیگری این مفهوم را کمی گسترده تر دیده‌اند و توسعه را دارای ابعاد اجتماعی و انسانی نیز میدانند. به هر حال اختلاف و سردرگمی درباره تعریف توسعه زیاد است.

رسیدن به توسعه اقتصادی یکی از اهداف اساسی یک جامعه و یک کشور را تشکیل می‌دهد. هر کشوری تلاش زیادی به خرج می‌دهد تا بتواند به رشد و انکشاف اقتصادی برسد، راه را برای تامین رفاه اجتماعی باز سازد که توسعه اقتصادی یک شرط قبلی برای رسیدن به رفاه اجتماعی می‌باشد. مفهوم انکشاف یک مفهوم بسیار گسترده بوده و در بخش‌های مختلف مانند انکشاف اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و غیره مطرح می‌گردد که انکشاف اقتصادی یک بخش از آن را تشکیل می‌دهد.

توسعه اقتصادی برای کشورها هدف



موارد حتی عادات، رسوم و عقاید مردم را نیز در بر می‌گیرد.

توسعه اقتصادی

توسعه اقتصادی یکی از مهم‌ترین مباحث به ویژه در نیمه دوم قرن بیستم بوده است. نتیجه این مباحث فراوان شکل‌گیری رویکردها و نظریه‌های مختلف درباره علل ناکامی و روش‌های مختلف دستیابی به توسعه بوده است. همه این بحث‌ها نیز به دنبال پاسخ به این پرسش است که چرا برخی کشورها توسعه نیافته‌اند و چگونه می‌توان این شرایط را تغییر داد.

ابتدا باید بین دو مفهوم "رشد اقتصادی" و "توسعه اقتصادی" تمایز قایل شد. رشد اقتصادی، مفهوم کمی است در حالی که توسعه اقتصادی؛ مفهوم کیفی است. "رشد اقتصادی" به تعبیر ساده عبارت است از افزایش تولید کشور در یک سال خاص، در مقایسه با مقدار آن در سال پایه. در سطح کلان، افزایش تولید ناخالص ملی (GNP) یا تولید ناخالص داخلی (GDP) در سال مورد نیاز، به نسبت مقدار آن در یک سال پایه رشد اقتصادی محسوب می‌شود که باید برای دستیابی به عدد رشد واقعی، تغییر قیمت‌ها؛ بخاطر تورم و استهلاک تجهیزات و کالاهای

اینکه، دلایل موانع توسعه اقتصادی در افغانستان چیست؟ و چگونه می‌توان به این چالش‌ها رسیدگی کرد؟

موانع توسعه اقتصادی در افغانستان

هر چند عوامل توسعه نیافتگی در این راه زیاد است اما در این جا بر آن شده‌ایم، تا به برخی از مهم‌ترین عوامل آن بپردازیم. نبود امنیت؛ یکی از پارامترهای اساسی غیر اقتصادی است که به عنوان یکی از مهم‌ترین موانع در برابر انکشاف اقتصادی در افغانستان عمل می‌کند. هر گونه تلاش برای انکشاف اقتصادی بدون تامین امنیت ثمری نخواهد داشت.

امنیت خوب، بستری مساعدی برای سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی و بالاخره انکشاف اقتصادی به شمار می‌رود. به این اساس یک رابطه تنگاتنگ بین انکشاف اقتصاد و امنیت وجود دارد که تامین امنیت روند انکشاف اقتصادی را تسریع می‌بخشد.

بی‌سوادی و کم‌سوادی: مهم‌ترین عاملی که در هر کشور موجب عقب ماندگی و بازنده شدن آن در کورس پیشرفت با سایر کشورها می‌شود، جهل و بی‌سوادی است، و رقابت کشورها بیش از

ادامه مطلب در صفحه ۳۱ ...



سرمایه‌ای را نیز از آن کسر نمود. منابع مختلف رشد اقتصادی عبارتند از افزایش بکارگیری نهادها (افزایش سرمایه یا نیروی کار) افزایش کارایی اقتصاد (افزایش بهره‌وری عوامل تولید) و بکارگیری ظرفیت‌های احتمالی خالی در اقتصاد. "توسعه اقتصادی" عبارت است از رشد همراه با افزایش ظرفیت‌های تولیدی، اعم از ظرفیت‌های فیزیکی، انسانی و اجتماعی. در توسعه اقتصادی، رشد کمی تولید حاصل خواهد شد؛ اما در کنار آن، نهاد‌های اجتماعی نیز متحول خواهند شد؛ نگرش‌ها تغییر خواهد کرد، توان بهره‌برداری از منابع موجود بصورت مستمر و پویا افزایش یافته و هر روز نوآوری جدیدی انجام خواهد شد. به علاوه می‌توان گفت؛ ترکیب تولید و سهم نسبی نهادها نیز در فرایند تولید تغییر می‌کند. توسعه امر فراگیر در جامعه است و نمی‌توان تنها در یک بخش از آن اتفاق بیفتد. توسعه، حد و مرز و سقف مشخص ندارد؛ بلکه بدلیل وابستگی آن به انسان، پدیده کیفی است (بر خلاف رشد اقتصادی که کاملاً کمی است) و هیچ محدودیت ندارد.

اکنون که با مفهوم توسعه و توسعه اقتصادی آشنا شدیم می‌پردازیم به

مشکل بیکاری در افغانستان و راه حل

نویسنده: محمد شبیر بشیری
محصل ماستری اداره تجارت



تولیدات ناخالص داخلی یک کشور است؛ مانند صنعت، زراعت و خدمات افغانستان در ادوار مختلف سیاسی اش سرمایه‌گذاری‌های دولتی و خصوصی را در بخش خدمات نیز در کارنامه خود دارد که سهم خود را این بخش در انکشاف اقتصادی و استخدام مردم منحیث ایجاد کننده جای کار ایفا کرده است. افغانستان در ادوار مختلف سیاسی تجربه سیاست‌های اقتصادی چون اقتصاد مختلط، اقتصاد پلان شده متمرکز و اقتصاد بازار را که این سه نوع سیاست اقتصادی بیشترین کاربرد را در سطح جهان دارا می‌باشد نیز دارد؛ بگونه مثال: سیستم اقتصاد مختلط را با ترکیب نیمه فیودالی در زمان شاهی، اقتصاد پلان شده دولتی متمرکز را در زمان حکومت‌های سوسیالیستی و اقتصاد بازار را بعد از سال ۲۰۰۲، با تصویب قانون اساسی جدید که در

زراعت که روند تخصص‌گرایی در بخش زراعت به منظور بلند بردن ظرفیت و گسترش کمی در تولید است، عامل راهبردی یعنی دراز مدت انکشاف صادرات افغانستان پنداشته می‌شود.

افغانستان همچنان کشور دارای صنعت بومی و قدیمی نیز است که سالیان متمادی این بخش (صنعت) ارایه‌کننده معیشت و کار به یک تعداد از مردمان این کشور بوده و حتی در زمره اقلام صادراتی نیز تولیدات صنعتی آن به چشم می‌خورد. روی هم‌رفته صنایع بومی این کشور به اساس عوامل مختلف از انکشاف و گسترش باز ماند که عوامل عمده آن را میتوان نبود امنیت و جنگ‌های داخلی، نبود سیاست‌های مدون حمایتی دولتی و عقب ماندن آن از کاروان تکنالوژی عصری جهان امروز عنوان کرد.

سه شریان اقتصادی که تشکیل دهنده

افغانستان از جمله کشور های با داشتن ذخایر غنی زیر زمینی و طبیعی است که در تناسب به هزینه توسعه و ایجاد رفاه به مردم آن متناسب و کافی می‌باشد، از آن جمله آب افغانستان منحیث یک عامل استراتژیک توسعه این کشور در تناسب با نفوس آن به قدر موجود است. عوامل و پدیده‌های خدا دادی مانند موقعیت جیواکانومیک و جیو پولوتیک افغانستان به اهمیت استراتژیک این کشور در تعاملات اقتصادی و سیاسی منطقه و جهان می‌افزاید و این کشور را از اهمیت استراتژیک بالا در منطقه برخوردار کرده است. همچنان آب وافر و خاک بکر و باهر افغانستان تضمین کننده تولید مواد غذایی کافی، در تناسب با نفوس و مصرف سالانه می‌باشد. حتی مازاد آن را برای صادرات در صورت میکانیزه شدن بخش زراعت استفاده می‌توان کرد. میکانیزه شدن

ماده دهم آن تذکر یافته، تجربه کرد. هر دوره سیاسی که از این سیاست‌های اقتصادی یکی را انتخاب کرده بودند؛ متأسفانه افغانستان بطور باید و شاید به توسعه پایدار دست پیدا نکرد.

دلایلی که تا امروز عرض اندام کردند تا جواب سوال حیاتی این کشور را که چرا این کشور تا حال به توسعه پایدار که رکن اساسی آن، رفع مشکل بیکاری است، نرسیده است؟ با جواب دادن این سوال و با بیان دلایل که سد راه توسعه کشور قرار گرفته، پنجاه درصد راه حل مشکل بیکاری در افغانستان پیدا میشود. عوامل که سد توسعه افغانستان قرار گرفته را میتوان در سه حلقه استراتژیک مطرح کرد.

حلقه اول مشکل تخنیک، حلقه دوم مشکل سیاسی و حلقه سوم مشکل منظفوی و جهانی. مشکل تخنیک عبارت از تعریف نشدن نوعیت منحصر به فرد اقتصادی افغانستان است؛ یعنی به اساس جو سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی افغانستان تا امروز مدل اقتصاد افغانی، دیزاین نشده و این موضوع باعث سردرگمی و عدم استفاده بهینه و مطلوب از سیستم‌های اقتصادی شده که در ادوار مختلف تاریخ سیاسی و اقتصادی کشور که در بالا تذکر یافت گردیده است. همچنان باعث طرح نشدن یک استراتژی ملی غرض توسعه افغانستان شده که مهمترین وظیفه یک استراتژی در تسلسل قرار دادن کارها در چهارچوب اهداف کوچک و متوسط است که به عنوان یک ره‌نما به منظور رسیدن به هدف بزرگ ایجاد میشود.

بطور خلاصه میتوان مشکل تخنیک را که سد راه توسعه قرار گرفته، در چند سطر چنین خلاصه کرد.

همانطوری که توسعه دارای چهار بعد سیاست، اقتصاد، فرهنگ و اجتماع؛ یعنی انکشاف متوازن می باشد، اگر چهار بعد گسترش کیفی را به همراه داشته باشد توسعه گفته میشود؛ افغانستان تا

امروز فاقد یک استراتژی ملی توسعه است. استراتژی ملی توسعه افغانستان باید، به اساس مشخصات منحصر به فرد جغرافیایی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی کشور ایجاد شود که در آن مزیت‌های نسبی اقتصادی، ارزش‌ها، قوانین و پالیسی‌ها مشخص شده باشد و مطابق آن مدل اقتصاد افغانی و خطوط اساسی اقتصادی طرح و تعریف شود. سپس با تیوری‌های اقتصاد بازار تطابق داده شود. تمام کشورهای که از سیستم اقتصاد بازار پیروی میکنند؛ اقتصاد بازار را با مدل اقتصادی منحصر به فرد کشور خود هماهنگ کرده، پیش می‌روند؛ به گونه مثال، سیستم اقتصاد بازار در پاکستان و چین متفاوت است. این تفاوت همان خطوط اساسی اقتصادی پاکستان با خطوط اساسی اقتصادی چین است. عدم تعریف خطوط اساسی اقتصادی کشور تا امروز، باعث عدم طرح مدل اقتصاد افغانی شده و نبود استراتژی ملی توسعه به اساس موارد که در فوق اشاره گردید، باعث نبود تسلسل و اولویت بندی در کارهای انکشافی و توسعه‌ی کشور گردیده و محروم بودن از موارد فوق تا امروز، هم به دولت و جامعه جهانی باعث روشن نبودن بخش‌های شده که در افغانستان دارای ظرفیت بالای استخدام هستند و معضل بیکاری به یک چالش عمده به دولت و مردم تبدیل گردیده است. مشکل تخنیک دقیقاً از همین جا آغاز میگردد که بعد از سال ۲۰۰۲ بدین سو سرمایه‌گذاری‌ها در افغانستان بالای بخشی صورت گرفت که نظریه خاصیت قوای کار کشور، ظرفیت استخدام پایین را دارد که عبارت از بخش خدمات و بخش ساختمانی است. این در حالی است اکثریت مردم افغانستان بی سواد و نیمه با سواد هستند و بخش خدمات، نیاز به افراد تحصیل کرده دارد که بخش نامبرده مجبور به وارد کردن قوای کار مسلکی از خارج گردید. همچنان به

اساس یک آمار بانک جهانی از سال ۲۰۰۳ تا سال ۲۰۱۱؛ یعنی در بیشتر از یک دهه میزان سرمایه‌گذاری‌ها در بخش ساختمان ۴۰ درصد و میزان سرمایه‌گذاری در بخش زراعت حدود ۷ درصد بوده است. به اساس یک آمار دیگر بانک جهانی بخش زراعت افغانستان، ظرفیت ایجاد کردن جای کار را تا حدود ۸۷ درصد دارد. این مثال به عنوان سرمایه‌گذاری غیر استراتژیک در افغانستان به نسبت تعریف نشدن خطوط اساسی اقتصادی کشور، عمده ترین عامل تخنیک افزایش میزان بیکاری در افغانستان شمرده میشود. سرمایه‌گذاری‌های غیر استراتژیک و غیر زیربنابرابری در یک و نیم دهه‌ی اخیر که با وجود مصرف میلیارد‌ها دالر از کمک‌های جامعه جهانی نتوانست معضل فقر و بیکاری را در افغانستان مدیریت کند؛ همه ناشی از مشکل تخنیک موضوع است.

در حال حاضر افغانستان به عنوان یک کشور محاط به خشکه و شدیداً وابسته به کمک‌های مالی جامعه جهانی؛ با داشتن ۵۴ درصد مردم زیر خط فقر فاقد نقاط اتکا اقتصادی داخلی است. هرگاه استراتژی ملی توسعه کشور شکل گیرد که در آن خطوط اساسی اقتصادی به منظور جلب سرمایه‌گذاری‌ها برجسته باشد؛ هر خط اقتصادی نظر به اهمیت استراتژیک آن میتواند یک نقطه‌ی اتکا اقتصادی در داخل افغانستان باشد؛ از یک طرف در سرمایه‌گذاری زیربنابرابری بالای خطوط اساسی اقتصادی، مهمترین عامل تولید یعنی کارگر نیاز است و میزان استخدام در کشور بالا می‌رود و از سوی دیگر میزان وابسته‌گی اقتصادی افغانستان به جامعه جهانی کاهش می‌آید. در سال ۲۰۱۶ به اساس ارقام ارائه شده از طرف سایت the world fact book، بخش زراعت

ادامه مطلب در صفحه ۳۰ ...



خرنگه کولای شیء یو بنه مدیر اوسى

لیکوال: عبدالوفاي نایبزی
د ادارې او سوداگرۍ د ماسټرۍ برنامې زدکړیال



شرکت رییس کلپتون ریډ په دې اړه لیکي "زه هره ورځ خپل کاري ټیم سره مخامخ لیدنه کوم. دا کار دې لپاره ډېر بنه دی ترڅو د خپل و کارکوونکو د عملي چارو څخه په بنه ډول خبر شم".

۵ - تل هڅه وکړه خوښۍ بښونکې و اوسې. که غواړې چې په هر چا گران واوسې نو سر د نن څخه د جدیت ماده لرې کړه. باور وکړه، که هره ورځ په کارځای/ژوند کې یوه ټوکه وکړې، او د نورو د خندا لامل شي، نو ته به تر ټولو گران شخصیت واوسې!

۶ - اړیکې جوړې کړه. موږ ټول څه نا څه هره ورځ نویو خلکو سره گورو. آیا کله مو فکر کړی چې نوي ملگري

ادامه مطلب درصفحه ۳۲ ...



خپل ورځني کارونه مهالوېش کړم او خپل تمرکز پرې زیات کړم، خپل اضافي برېښنالیکونه پاک کړم او تل داسې انگېرم چې له نورو یو ساعت مخکې یم".

۳ - هره ورځ له خپلې کورنۍ سره په اړیکه کې اوسه. بېلېن هان د څو نړیوالو هوټلونو څښتن دی. دی په دې اړه وایي:

"د کورنۍ سره اړیکه ماته یو ډول د تعادل احساس راکوي. فرق نه کوي چې چېرته یم، زه باید هره ورځ یو ساعت کورنۍ له پاره ځانگړی کړم. زه هر سهار د مېرمنې سره په خبرو پیلوم، کوچنیانو ته مې پیغامونه لېږم او په لمر لوېدا سره یو وار بیا د مېرمنې احوال اخلم".

۴ - د کارځای مختلفو برخو ته سر وربښکاره کړه. د MMGY د بازارموندنې

۱ - تل چې درڅخه د یو کار کولو څومره تمه کېږي، هڅه وکړه له هغه ډېر ترسره کړې. دا یوازې تر دندې مه محدودوه، هڅه باید وکړو، چې د ژوندانه په ټولو برخو کې دا ځانته اصل وگرځوو. د دې اصل په پلي کولو سره به موږ په کارځای او ټولنه کې ډېر زړ د پام او اعتبار وړ وگرځوو. مثلاً که کله درڅخه د یو څېز په اړه کومه مشوره وغوښتل شوه، نو پر خپل یو نظر ورکولو سره بسنه مه کوه، بلکې څو نظرونه ورکړه. دا به دې په ژوند کې تل د نورو څخه یو گام وړاندې ثابت کړي.

۲ - په اداره یا کارځای کې لومړی شخص اوسه چې د وخته حاضر وي. د یو مشهور سیاحتي شرکت مشر جېمز تورنتون وایي، "تل هڅه کوم په خپل کارځای کې له نورو وړاندې حاضر اوسم. دا کار ماته دا موقع راکوي چې

منارعه افغانستان و راه حل آن

نوسنده: سيد جاويد حكيمى
محصل ماسترى روابط بين الملل



نظامى آمريكا در افغانستان احساس خطر مى‌کنند و به همين خاطر به صورت غير مستقيم، جنگ نيابتي را با آمريكا شروع کرده اند؛ تا آمريكا نتواند افغانستان را براي هميشه تحت تسلط خويش داشته باشد.

ب-منطقوى:

رقابت كشورهاي منطقه يكي ديگر از دلايل منارعه افغانستان است. پاكستان، هند، ايران و چين كشورهاي اندك كه مى‌خواهند از طريق افغانستان منافع خويش را تامين نمايند.

هند به خطري كه هژموني خود را در منطقه حفظ کرده و همچنان توجه پاكستان را از منارعه كشمير دور نگاهدارد، در افغانستان مداخله ميكند و يكي از عاملين منطقه اي منارعه افغانستان ميشود.

پاكستان كشوري كه هميشه به وجود بيايد و باعث پراكندي اقوام افغانستان

ادامه مطلب در صفحه ۳۳ ...



روسيه (از طريق كشورهاي آسياي ميانه)، چين، پاكستان و ايران موقعيت دارد كه باعث توجه كشور اير ق قدرت مانند آمريكا شده است. آمريكا و شوروي سابق بعد از جنگ جهاني دوم و آغاز جنگ سرد، متوجه افغانستان شدند و حتى نيروي سرخ شوروي، افغانستان را در زمان جنگ سرد اشغال كرد و باعث شد كه ايالات متحده آمريكا از طريق پاكستان نيروهاي مجاهدين را عليه شوروي تقويت كند و به اين مبارزه تا زمان ختم جنگ سرد ادامه دهد. اما بعد از جنگ سرد تا حمله ۱۱ سپتامبر به برج هاي تجارت جهاني در آمريكا، افغانستان به حال خود گذاشته شد و اهميت افغانستان در سطح بين الملل کاهش يافت و زمينه را براي مداخله كشورهاي منطقه مساعد ساخت. بعد از حمله ۱۱ سپتامبر وضعيت تغيير يافت و با مداخله آمريكا به افغانستان دوباره افغانستان مركز توجه كشورهاي بزرگ مانند آمريكا، روسيه و چين قرار گرفت. روسيه، چين و ايران، سه كشوري است كه از موجوديت پاينگاه هاي

ذهن هر افغان را وضعيت كنوني افغانستان مى‌آزارد و هر كس ميخواهد به اين سوال جواب پيدا كند؛ چرا افغانستان به چنين حالت دچار شده است؟ چي دلايل باعث وحشت و بربريت در اين مرز و بوم ميتواند باشد؟ چرا هر روز ۱۰۰ ها نفر به خاك و خون كشيده ميشوند؟ چرا يكتعداد افغان ها كوشش دارند به كشورهاي غربي جهت آسايش و زندگي آرام حتى به خطر جان شان مهاجرت ميكند؟ واقعا ما چرا به چنين وضعيتي دچار شده ايم؟

دلايل منارعه دوامدار افغانستان:

منارعه افغانستان ميتواند دلايل زياد داشته باشد؛ اما در اين جا دلايل آن را به سه كتگوري ذيل تقسيم مى‌كنيم تا بهتر بتوانيم به آنها آشنا شويم.

الف-بين المللى:

گرچه افغانستان از نگاه جغرافيايي آن قدر بزرگ نيست؛ اما موقعيت ژيوپولتيك افغانستان بسيار مهم است، چون افغانستان در بين كشورهاي مانند

چاپیریال ساتنه د ټولو گډ مسولیت دی

لیکوال: عبدالباسط کروخیل



چاپیریال د انسان د اړتیاوو پوره کولو او ژوند ځای دی او هره ورځ چې تیرېږي ارزښت یې لاپسې زیاتېږي. خو له بده مرغه دا مهال انسان په دې خاورینه کره کې له طبیعي منابعو څخه له حده د زیاتې گټې اخیستو او په خاوره، اوبو او هوا کې د خطرناکه ککړتیاوو رامنځ ته کولو له امله، د له منځه تلو گواښ سره مخ کړی دی.

د چاپیریال ساتنه له انساني ځواک څخه زیاتې گټې اخیستو او په هره برخه کې د چاپیریال ساتنې زده‌کړې دود گرځولو ته اړتیا لري.

د اسلام مبین دین تل خلکو ته دا حکم کوي چې تاسو خپل ځانونه او خپل چاپیریال پاک وساتئ تر څو د ډول ډول روغتیايي ستونزو څخه بچ شئ. د اسلام ستر لارښود حضرت محمد(ص) فرمایي:

«دلاري څخه کثافات او هر مضر شی لري کول صدقه ده.»

په ۱۹۶۰ مو کلونو کې افغانستان ته د یو متمدنه هیواد په سترگه کتل کیده او کابل ته د ښارونو ناوي ویل کیده. دا ځکه چې هغه وخت د کابل ښاریانو خپل ښار دومره پاک او شین ساتلی ؤ چې د ټولې نړۍ سترگې ورته اوښتې. متأسفانه په وطن کې تپل شوې کور گډې جگړې شروع شوې او دغې مودې زیات دوام ونکړ. ډیر زر زموږ ښارونه او هیواد د هغو ښارونو په ډله کې راغلل چې د ښار نظافت او د چاپیریال سالمه ساتنه نه کوي او ورځ تربلې یې هوا ککړېږي.

دا مهال چې د هیواد نفوس په زیاتیدو دی، په لویو ښارونو کې دخلکو لخوا د ښار اوسیدنې فرهنگ نه مراعت کیږي. هیڅوک ځان د چاپیریال ساتنې په اړه

مسؤل نه گڼي. باید موږ او تاسې ټول پدې خبر اوسو چې د چاپیریال په ساتنه کې هغومره مسولیت چې دولت ته متوجه کیږي هغومره مسولیت عام خلک هم لري.

که دلته له یوې خوا دولت گرم دی له بلې خوا خلک هم په پوره ډول پړ دي.

د پاک چاپیریال د ساتلو لپاره دولتي چارواکي او عام خلک باید لاندې څو مهمو ټکو ته پاملرنه وکړي:

• د ځنگلونو او شنو سیمو د ناوړه گټه اخیستنې مخنیوی

• د چاپیریال ساتنې د ادارې د ټولو لارښوونو عملي کول

• د دولت لخوا د بریښنا تولید کچه لوړول تر څو خلک خپل د سوند ضروریات د بریښنا د لارې رفعه کړي او په چاپیریال کې د سوځیدونکو توکو کچه ټیټه شي

• نه یوازې شته ونې نه پری کول بلکه د نورو نیالگيو کښینول

• د ښاروالیو په کار کې کيفي ښه والی

راوستل

• د ښار په شنو ساحو کې سوداگریزو آبادیو او فعالیتونو ته اجازه نه ورکول

• د ښاروالی لخوا هټی وال دیته مجبورول چې د دوکانونو مخي ته

• د ښه چاپیریال لپاره یو یو نیالگی کښینوي

• د رسنیو له لارې خلک د چاپیریال ساتنې له اهمیت او گټو خبرول

• ټول نقلیه وسایط له تخنیکي لحاظه معیاري کول او د هغه وسایطو د گرځیدو مخنیوی چې ماشینونه یې زاړه او له کاره لویدلي وي

• د سړکونو او لویو لارو قیر کول

او دې ته ورته نور ضروري گامونه

په آخر کې باید ووايم چې زموږ ټولو دنده ده څو په چاپیریال ساتنه کې د مسولیت منلو حس پیاوړی کولو، د

همکاری روحیې غښتلي کولو او د هېواد په هره سیمه کې د چاپیریال ساتنې فرهنگ دود گرځولو لپاره ځانگړی هلې

ځلې وکړو.

مصونیت پارلمانی

نویسنده: عبدالصورتی
محصل حقوق



طرح‌های قانونی شرکت در استیضاح و پرسش از وزیران و سرانجام تمامی اظهارات و اعمال نماینده در کمیسیون‌ها می‌شود.

با وجود اینکه مصونیت پارلمانی در قبال نماینده مردم در جریان انجام وظیفه، با صراحت قانون اساسی مورد پذیرش قرار گرفته است؛ اما این مصونیت به هیچ‌عنوان به معنای مصونیت از اعمال جرمی نیست. در مورد رسیدگی به جرایم که نماینده‌گان مردم در پارلمان مرتکب می‌شوند؛ به لحاظ شکلی فرآیند متفاوت تر نسبت به رسیدگی جرایم افراد عادی در قانون اساسی، در نظر گرفته شده است. کوچکترین پیگرد خارج از دایره تشریفات تعریف شده در قانون اساسی، ممکن است به ابزار فشاری علیه او تبدیل شود. در مجموع تعرض ناپذیری نمایندگان به معنای عدم اجرای شیوه‌های معمول پیگرد و رسیدگی به جرایم در مورد نمایندگان و اعمال شیوه‌های ویژه برای پیگرد و رسیدگی به جرایم نماینده متهم است. در این باره بهترین شیوه‌ای که اعمال

ادامه مطلب در صفحه ۳۳ ...



شود، مأمور مسوول از موضوع به مجلس که متهم عضو آن است اطلاع می‌دهد و متهم تحت تعقیب عدلی قرار گرفته می‌تواند. در مورد جرم مشهود مأمور مسوول می‌تواند متهم را بدون اجازه مجلس که او عضو آن می‌باشد، تحت تعقیب عدلی قرار دهد و گرفتار نماید در هر دو حالت هرگاه تعقیب عدلی قانوناً توقیف را ایجاب کند؛ مأمور مسوول مکلف است موضوع را بلافاصله به اطلاع مجلس مربوط برساند و تصویب آن را حاصل نماید. اگر اتهام در هنگام تعطیل شورا صورت بگیرد، اجازه گرفتاری یا توقیف از هیات اداری مجلس مربوط حاصل می‌گردد و موضوع به نخستین جلسه مجلس مذکور جهت اخذ تصمیم ارایه می‌شود. نماینده به دلیل گفتار، نوشتار، اعمال و تصمیم‌ها و در نهایت موضع‌گیری‌های خویش نباید مورد تعقیب و مواخذه واقع شود. هیچ‌کس حق ندارد نماینده را به دلیل ایفای وظایف نمایندگی مورد تعقیب قرار دهد.

وظایف شامل تمامی اعمال است که فرد به عنوان نماینده انجام می‌دهد؛ مانند سخنرانی‌های که در جلسه عمومی مجلس تایید، یا مخالفت با لوایح و

مصونیت پارلمانی امتیازی برای نماینده مردم به شمار می‌رود؛ تا وظایف خود را بدون ترس و هراس از تعقیب قضایی و پولیس بتواند انجام دهد. این مصونیت شاید در نگاه نخست نوعی تبعیض بین نمایندگان قوه مقننه و سایر شهروندان قلمداد شود که از چنین امتیازی بر خوردار نیستند؛ اما باید توجه داشت که این مصونیت تنها راهکاری برای تأمین استقلال نماینده است و به معنای چشم‌پوشی از جرایم نمایندگان نیست. مصونیت پارلمانی اساساً پوششی قانونی است که برای حفاظت نماینده در برابر تعقیب قضایی، قاعده مصونیت ممکن است به ظاهر تبعیض یا امتیاز پنداشته شود. ولی این مصونیت وسیله‌ی دفاع از نماینده در برابر اعمال فشار غیر قانونی قوه مجریه محسوب می‌شود تا بتواند آزادی خود را برای انجام وظیفه نمایندگی در گفتار، نوشتار و کردار حفظ کند. قانون اساسی در مواد ۱۰۱ و ۱۰۲ در مورد مصونیت پارلمانی چنین حکم دارد: هیچ عضو شورای ملی، به علت رای یا نظریه‌ی که در هنگام اجرای وظیفه ابراز می‌دارد مورد تعقیب عدلی قرار نمی‌گیرد.

هرگاه عضو شورای ملی به جرم متهم

حاکمیت قانون

نویسنده: فرشته ناصری
محصل حقوق



مقدمه

تک سالاری و استبدادی نمی توان از حاکمیت قانون سخن زد، به دلیل آنکه در همچون نظام های سیاسی نظارت و کنترل بر اعمال حکمروایان وجود ندارد و اراده حاکم، بالاتر از قانون قرار داشته و بر حقوق و آزادی افراد محدودیت وضع می کند. حالانکه در یک نظام دموکراتیک، حاکمیت قانون در استقلال قضا، حکومت، آزادی رسانه ها، نظام نظارت و تعادل، گزینش رهبران از طریق انتخابات آزاد و تفکیک قوا میان شاخه های قوای ثلاثه نشان داده می شود.

تعریف حاکمیت قانون

حاکمیت قانون دارای معنی عام و خاص می باشد. در معنی عام؛ عبارت از وجود نظم در کشور و در معنی خاص؛ عبارت از اجرای قوانین موضوعه و قوانینی که مجلس و مقامات صالح کشور وضع کرده اند، به نحوه درست و در راستای اجرای هدف آن که همانا تامین نظم، استقرار عدالت، حفظ حقوق فردی و جمعی می باشد. به صورت عموم تعریف عمومی حاکمیت قانون عبارت از تطبیق یکسان قانون بالای همه؛ بدون هیچ نوع تبعیض و امتیاز. یا عبارت از تطبیق یکسان قانون بالای همه با در

مشکلات و عدم حاکمیت قانون در افغانستان را بررسی شود.

مفهوم حاکمیت قانون

مفهوم حاکمیت قانون، نفی حکومت شخصی و استبدادی و تاکید بر اجرای یکسان قوانین برای همگان می باشد؛ تا ازین طریق جلو خود سری، یکه تازی و دست درازی اشخاص به حقوق شخصی، آزادی های اساسی، حقوق جمعی و منافع اجتماع گرفته شود. حاکمیت قانون حکم می نماید تا قانون بالای همه طور یکسان، برابر و به یک نحو تطبیق شود. اما این قانون باید به شکل و شیوه دموکراتیک وضع گردیده باشد و نماینده گان مردم در وضع آن نقش داشته باشند؛ تا حقوق اساسی مردم در آن رعایت شده باشد. در نهایت قانون بالای همه یکسان تطبیق شده و برتر از اراده مراجع و مقامات سیاسی و اداری باشد.

شایان ذکر است که نوع نظام سیاسی و حاکمیت قانون با هم رابطه تنگاتنگ دارند؛ یعنی نوع نظام سیاسی می تواند مبین تامین حاکمیت قانون در یک کشور باشد. زیرا در حکومت های

حاکمیت قانون از مفاهیم بنیادینی است که امروزه در رشته های مختلف علوم انسانی؛ از جمله فلسفه، حقوق، علوم سیاسی، جامعه شناسی و اقتصاد مورد توجه صاحب نظران و محققان قرار گرفته است. این مقوله به شدت متأثر ازایدولوژی حاکم بر نظام سیاسی می باشد. بر اساس حاکمیت قانون تمامی مقامات (از رییس جمهوری تا تمام مقامات عالی رتبه) و نهادهای سیاسی ازجمله قوای ثلاثه؛ خصوصاً قوه مجریه که خود واضح قانون است، باید تابع قواعد حقوقی و آزادی های بنیادین باشد. هیچ یک از مقامات و نهاد های سیاسی، حق تحدید حقوق و آزادی های اساسی و بنیادین را؛ جز در چارچوب قواعد خاص و پیچیده پیشبینی شده در قوانین، ندارد. باید در نظر داشت این مفهوم ابتدا در حقوق داخلی نضج گرفته و بعداً وارد عرصه بین المللی شد. بنابراین در این مقاله کوشش صورت گرفته است تا در قدم نخست مفهوم حاکمیت قانون، تعریف حاکمیت قانون، هدف حاکمیت قانون، اهمیت حاکمیت قانون و در اخیر

- برتری قانون بر همه جامعه و مراجع (تطبیق قانون به صورت یکسان)
- جلوگیری از خودکامگی و اعمال قدرت خود سرانه
- حکومت قانون و مسوولیت پذیری دولت و ملت
- برابری و آزادی
- برقراری نظم و استقرار عدالت.

مشکلات و عدم حاکمیت قانون در افغانستان

۱. عدم توسعه حقوقی: عدم توسعه حقوقی می تواند جنبه های مختلف داشته باشد؛ مانند: فقدان قوانین جامع در بخش های مختلف، عدم آشنایی ماموران دولتی و مردم با قوانین، عدم احترام به قوانین، عدم موجودیت قانون پذیری، سطح پایین دانش حقوقی قضات و خانونوالان، کمبود وکیل مدافع مسلکی وغیره.

۲. فقدان دموکراسی: فقدان تجربه دموکراسی یکی از موانع مهم حاکمیت قانون در کشور است.

۳. نقض قانون توسط دستگاه حکومت و مقامات حکومتی.

۴. فقدان شفافیت: فساد در افغانستان به یک بیماری فراگیر تبدیل شده است و فساد اداری از عمده ترین موارد نقض قانون و عدم تطبیق یکسان عدالت بر همگان می باشد.

۵. ترجیح منافع شخص بر منافع ملی.

۶. سلطه طلبی و خود باوری.

۷. عدم رسیده گی به جنایات جنگی.

۸. ناامنی و مواد مخدر.

۹. موجودیت گروه های مافیائی.



(nance) شمرده شده که از مفاهیم مطرح در نهادهای ملی و بین المللی فعال در عرصه های حقوقی، اقتصادی و سیاسی می باشد. بنا به صورت خلاصه شرایط استقرار حاکمیت قانون: اول پایبندی به قانون اساسی و سایر اسناد تقنینی در کشور. دوم تفکیک قوا؛ یعنی قوای تشکیل دهنده دولت باید از هم دیگر جدا تشکیل شده و در امور یکدیگر مداخله نکنند. سوم اطاعت دولت و دولت مداران از قانون. چهارم برخوردار بودن افراد جامعه از آزادی های فردی و اجتماعی و پنجم میرا بودن قوه قضائیه از هر نوع مداخله ... میباشد.

اهداف حاکمیت قانون

عمده ترین هدف حاکمیت قانون در نظام حقوقی داخلی، محدودیت قدرت عمومی حکومت به منظور حفظ حقوق و آزادی های شهروندان است، در نظام حقوقی داخلی مهم ترین مخاطبان حاکمیت قانون، مقامات دولتی هستند که بر اساس آن تمامی اعمال و تصمیمات آنها باید منطبق با موازین قانونی باشد. یا به صورت عموم گفته می توانیم که اهداف حاکمیت قانون عبارت اند از:

نظر داشت شرایط عینی و ذهنی جامعه ای که قانون در راس حرم آن قرار گیرد، می باشد.

اهمیت حاکمیت قانون

در مدح حاکمیت قانون و آثار مثبت آن سخن بسیار گفته شده است. از جمله اینکه گفته شده حاکمیت قانون در یک جامعه باعث ترویج صلح و توسعه، جلوگیری از اختلاف و درگیری، تضمین عدالت اجتماعی، پیشبرد امنیت انسانی، حمایت مردم در مقابل ترس و خاتمه فقر و گرسنگی می شود. باید در نظر داشت حاکمیت قانون، به عنوان مفهومی کلیدی برای ممانعت از خودکامگی و اعمال قدرت خودسرانه؛ از زوایای مختلف به عنوان اصل، هنجار و حتی ارزش مورد تحلیل قرار گرفته است. این اصل الهام بخش مفاهیم و اصول دیگری از قبیل مشروطه خواهی (Constitutionalism)، قانونیت (Legality)، عدالت طبیعی، عدالت رویه ای، مسوولیت، پاسخگویی، کنترل قضایی و تفکیک قوا بوده است. از سوی دیگر، توجه به اصل حاکمیت قانون و تن دادن به لوازم و پیامدهای آن، یکی از عناصر اساسی «حکمرانی خوب (Good Gover-

کارگاه عملی بررسی محل وقوع جرم برای محصلان حقوق برگزار شد

گزارشگران: اسما و نازنین



بازتاب‌دهنده‌ی عدم ارتکاب جرم باشد، نشان‌دهنده‌ی نبود تخصص و کارایی تیم بررسی‌کننده‌ی صحنه‌ی جرم است. بنابراین بررسی صحنه‌ی جرم می‌تواند به عنوان یک رشته‌ی علمی مورد توجه و بررسی پوهنتون‌ها و مراکز علمی مخصوصاً در افغانستان باشد.

استاد علی زاده علاوه می‌کند که کشف جرم در هر اجتماع، از بنیادی ترین و چالش برانگیزترین مسئله هر روز حکومت‌ها است. این مطلب زمانی قابل توجهی است که به باور اغلب از محققان این حوزه جامع‌های بدون جرم و مجرم وجود ندارد؛ اما عدم مسوولیت‌پذیری دولت، عدم تخصص ضابطین قضایی و عدم تجهیزات مدرن در این حوزه می‌تواند، آمار جرم و جنایت در جامعه را افزایش دهد. بنابراین تخصص در تیم بررسی محل وقوع جرم یک امر ضروری و بنیادی است؛ زیرا مجازات مجرم یک امر طبیعی و حتمی است.

او تاکید می‌دارد که از هر مجازات حداقل دو بهره باید به جامعه برسد.

اجتماعی را مختل می‌سازد، مجازات مجرم به عنوان مجرای بازدارنده و حافظ زندگی و اجتماع به عنوان یک امر اجتناب‌ناپذیر تلقی می‌شود. با این اوصاف بررسی محل وقوع جرم به منزل‌ها و جاده‌های است که به مجازات و کشف مجرم منتهی شده و نقش براننده‌ی در کشف جرم، احقاق عدالت، مجازات مجرمین و تفکیک مجرم از غیرمجرم دارد.

او می‌افزاید که مجرم به هر میزان که حرفه‌ای باشد و به هر میزان که جرایم نیرنگ‌آمیز را مرتکب شود؛ خواه ناخواه یک سلسله‌علایم و نشانه‌های در محل وقوع به جا می‌گذارد. ممکن است علایم جا مانده با چشم مسلح و یا به صورت عادی قابل رویت باشند. بنابراین، علایم جا مانده اگر نامریی باشند تخصص و تجهیزات علمی لازم است. یعنی در واقع، اگر تیم بررسی صحنه‌ی جرم قادر به کشف سر نخ‌ها که منتهی به مجرم اصلی می‌شود، نشوند؛ این مطلب بیش از آنکه

پوهنخی حقوق پوهنتون کاردان در همکاری با تیم تخنیکی ریاست عمومی مبارزه با جرایم وزارت محترم داخله ج. ا. ا، بررسی محل واقعه‌ی جرم را به صورت نمایشی برای محصلان پوهنخی حقوق به روز چهارشنبه ۱۹ جدی برگزار کرد.

در این برنامه نخست برای محصلان چگونگی بررسی محل واقعه به صورت نظری طور مفصل تشریح و سپس به شکل عملی اجرا گردید. در این برنامه به تعداد ۹۰ تن از محصلان پوهنخی حقوق حضور داشتند و در اخیر برنامه مسوولان ریاست عمومی مبارزه با جرایم جنایی، به سوالات محصلان نیز پاسخ‌ارایه کردند.

کارشناسان مسایل حقوقی راه‌اندازی چنین کارگاه‌هایی را برای ازدیاد دانش عملی محصلان خیلی موثر می‌دانند.

عبدالواحد علی زاده استاد پوهنخی حقوق پوهنتون کاردان می‌گوید؛ از آنجایی که جرم یک پدیده‌ی ضد ارزشهای اجتماعی است که زندگی



آقای علی زاده اظهار می‌دارد که مجرم خواه ناخواه، علایم و قرائن را در محل وقوع جرم باقی می‌گذارد که ماموران ضبط قضایی قادر به کشف و شناسایی علایم جرم مانند نباشد. ضمن آنکه عدالت پایمال شده است؛ باعث افزایش نرخ جرم و جنایت در سطح جامعه میگردد؛ زیرا مجرم اگر مجازات نشود، تحریک و به انجام دوباره جرم جسور میشود. از سوی دیگر در صورت که توجه اساس و جدی به این مهم نشود، نه تنها اعتبار دولت نزد مردم از بین رفته؛ بلکه باعث تشکیل جزیره‌های تبهکاری در جامعه میگردد؛ یعنی افراد و اشخاص با تشکیل باندهای تبهکاری به تجارت نا مشروع ادامه میدهند.

موجود دارای حساب و کتاب است که اغلب تلاش میکنند، از مسوولیت جزایی فرار و حتی علایم و نشانه‌ای که دال بر اثبات مسوولیت جزایی وی باشد را تخریب کند. در این میان، چه بسا موارد که مجرم حرفه‌ای یا همان مجرمین یخن سفید مسوولیت اعمال تبهکارانه‌ی خود را به دوش افراد بیگناه میاندازند که اگر بررسی علایم و نشانه‌های جرم که در محل وقوع باقی میماند، حرفه‌ای و علمی نباشد؛ بی‌عدالتی را دامن می‌زند و افراد بیگناه به تهمت ناحق محکوم می‌گردد. این چالش بازتاب دهنده‌ی ضعف ضابطین قضایی است که مسوولیت بررسی صحنه‌ی جرم را به عهده دارند.

یک، باعث ترس و عبرت خود مجرم شود؛ تا اینکه وی دوباره مرتکب جرم نشده و ارزشهای جامعه را به خطر مواجهه نسازد. دو، سایر افراد که دارای نقشه‌های مجرمانه هستند، از مجازات مجرم باید به سنجش و تصمیم برسند که مجازات یک امر حتمی است و باید از نقشه‌ی خصمانه‌ی خود منصرف شوند. با این اوصاف نقش بررسی‌های اولیه یا همانا بررسی محل وقوع جرم در این میان بسیار برانزنده و بنیادی است و میتوان از بی‌مجازات ماندن مجرم جلوگیری شود. به گفته علی زاده، بررسی دقیق محل وقوع جرم می‌تواند عدالت را تامین نماید. این برداشت از آنجایی تقویت می‌شود که مجرم یک

نخستین نمایشگاه عکاسی حرفوی محصلان ژورنالیزم برگزار شد

گزارشگر: اقصی وردک و سارا عزیزی



پوهنتون کاردان به پاس زحمات مسوولان خانه عکاسی کملک یک سپاسنامه را به نصیر فیضی تقدیم کردند و همچنان استاد ذکی انصاری یک عدد لینز کمره را به مدیر خانه کملک به طور تحفه اهدا کرد.

در اخیر محفل اشتراک کننده گان به محل برگزاری نمایشگاه رفته و از عکس‌های این نمایشگاه دیدار کردند در عین حال از جانب محصلان عکاس، برای شان در مورد عکسها توضیحات لازم ارایه گردید.

خانه عکاسی کملک یک نهاد غیر انتفاعی در بخش عکاسی حرفوی می باشد که برای دانشجویان رشته ژورنالیزم هراز گاهی کارگاه‌های آموزشی کوتاه مدت را برگزار می‌کند.

نمایشگاه عکاسی محصلان دیپارتمنت ژورنالیزم برای یک روز به روی محصلان باز بود و صد ها تن از این نمایشگاه دیدار کردند.

راه اندازی کارگاه‌های موثر ابراز سپاس کرد.

نصیر فیضی مدیر مسوول خانه عکاسی کملک، با ابراز خرسندی از کارکرد ها و تلاشهای محصلان و سپاس گذاری از پوهنتون کاردان که زمینه همکاری های دو جانبه را مساعد ساختند ابراز داشت، در آینده برنامه های بیشتری را در این عرصه به همکاری پوهنتون کاردان راه اندازی خواهد کرد.

در این نمایشگاه اقصی وردک یکی از محصلان دیپارتمنت ژورنالیزم برنده جایزه بهترین عکس شناخته شد که عکس خودش را که توسط یکی از محصلان گرفته شده بود، برایش تحفه داده شد.

سپس مسوولان خانه عکاسی کملک برای پنج محصل اشتراک کننده در این نمایشگاه، تقدیر نامه هایی اعطا کرده و هم چنان برای پنج تن هیات رهبری پوهنتون کاردان نیز یک یک قطعه عکس را به گونه تحفه اهدا کرد.

نخستین نمایشگاه عکاسی محصلان دیپارتمنت ژورنالیزم پوهنتون کاردان، با همکاری "خانه عکاسی کملک" به روز چهارشنبه ۱۷ دلو سال روان در دیپارتمنت ژورنالیزم پوهنتون کاردان برگزار شد.

در این نمایشگاه ۳۰ قطعه عکس از پنج تن از محصلان دیپارتمنت ژورنالیزم که از میان ۳۰۰ قطعه عکس توسط استاد میر ذکی احمد انصاری استاد فوتو ژورنالیزم پوهنتون کاردان و عکاسان ورزیده خانه عکاسی کملک انتخاب گردیده بود، به نمایش گذاشته شد.

پنج تن از محصلان دیپارتمنت ژورنالیزم در کنار مطالعه مضمون عکاسی، در کارگاه آموزشی یک ماهه که از جانب خانه عکاسی کملک برگزار گردیده بود؛ به گونه رایگان اشتراک کرده و عکاسی حرفوی عملی و نظری را فراگرفتند.

محترم رویین رحمانی رییس و موسس پوهنتون کاردان ضمن تقدیر از نمایشگاه عکاسی از محصلان قدر دانی کرده و از مسوولان خانه عکاسی کملک بخاطر



استقبال از دریافت اعتبار ملی اکادمیک پوهنتون کاردان با بهترینهای کاردان

گزارشگران: محمد شبیر صافی، سلما سادات و زهرا واحدی



"برگزاری همچون محافل برای فارغان زمینه حضور و شریک دانستن شان در این کامیابی‌ها را مهیا میکند."

حفیظ الله محمدی یکی دیگر از فارغان مقطع ماستری اداره و تجارت پوهنتون کاردان ضمن تبریکی از کسب اعتبار ملی اکادمیک پوهنتون کاردان افزود که کاردان شایسته این مقام است.

او از برگزاری این گونه محافل ابراز خرسندی کرد.

محفل تجلیل از بدست آوردن اعتبار ملی اکادمیک پوهنتون کاردان در آخرین لحظات با قطع کردن کیک، صرف عصریه و گرفتن عکسهای یادگاری به اختتام رسید.

او همچنان افزود که در نظر دارند مکتب بین المللی کاردان را نیز به زودی افتتاح نمایند.

میرویس نهضت فراهی رییس اجرایی پوهنتون کاردان گفت که هدف اصلی این برنامه تجلیل از کسب اعتبار اکادمیک پوهنتون کاردان به همراهی فارغان برتر این پوهنتون است.

محفل که در یک فضای صمیمی آغاز شده بود با معرفی چهره‌های برتر کاردان همراه بود و اشتراک کننده‌گان بعد از سخنرانی‌ها به سرگرمی‌های مختلف پرداختند.

مریم بهار سادات یکی از فارغان مقطع ماستری رشته اداره و تجارت گفت:

هیات رهبری پوهنتون کاردان، به افتخار دریافت اعتبار ملی اکادمیک از جانب وزارت تحصیلات عالی کشور محفلی را به اشتراک هیات رهبری و فارغان این نهاد در تفریگاه استرایکوز برگزار نمود. پوهنتون کاردان در آخرین روند اعتبار دهی وزارت تحصیلات عالی کشور توانست، از میان پنج پوهنتون برتر خصوصی و دولتی با برترین امتیاز اعتبار ملی را دریافت کند.

در محفلی روز پنجشنبه محترم رویین رحمانی رییس پوهنتون کاردان ضمن تشریح برنامه‌های آینده اظهار کرد که به زودی پوهنتون کاردان، صاحب یک تعمیر شخصی معیاری خواهد شد.



اولین گام در راه سفر فضایی تجاری انجام شد

منبع: بی بی سی



زمان صرف کرده است و امیدوار است بتواند شاتل‌های تجاری با نظارت و مدیریت ناسا برای مسافران راغب به سفر فضایی ترتیب دهد. رییس شرکت اسپیس ایکس هم چنین در صدد ایجاد سیستم بزرگتری بنام استارشیپ (Starship) و موشک‌های بی‌اندازه سنگین برای حمل مسافر به ماه و مریخ است.

کپسول دراگون از مدار زمین رهسپار ایستگاه بین‌المللی فضایی خواهد شد و با مجموعه‌ای از نرم‌افزارها بدون کمک فضانوردان قادر به اتصال به ایستگاه در زمین خواهد بود.

اسپیس ایکس نام این انسان مصنوعی را ریپلی "Ripley" گذاشته است.

ریپلی یکی از شخصیت‌های فیلم‌های علمی تخیلی بیگانه "Alien" است.

ریپلی که لباس فضانوردی برتن دارد گزارش‌هایی را درباره تأثیر نیروهایی که انسان‌ها در پرواز فضایی تجربه می‌کنند، در اختیار ایستگاه بین‌المللی فضایی قرار خواهد داد.

به گفته الون ماکس رییس شرکت اسپیس ایکس، این آزمایش اولین گام در راه هموارکردن سفر تجاری انسان‌ها به سیارات دیگر است.

الون ماکس می‌گوید که ۱۷ سال برای رسیدن به این پرواز آزمایشی

ناسا (آژانس فضایی آمریکا) و شرکت کالیفورنیایی اسپیس ایکس (SpaceX) موفق به پرتاب یک کپسول سرنشین‌دار شدند.

این کپسول سوار بر راکت فالکون ۹، توانست با موفقیت در مدار زمین قرار گیرد.

آمریکا از سال میلادی ۲۰۱۱ تاکنون برنامه شاتل‌های فضایی خود را متوقف کرده است و برای ارسال فضانوردان و محموله‌های خود به موشک‌های روسی سایوز وابسته بوده است.

این کپسول که دراگون (Dragon) نامیده می‌شود حامل یک انسان مصنوعی است که مجهز به حسگرهایی در اطراف سر، گردن و ستون فقرات است.

مینه رحمانی از مدیریت تفریح گاه الی معاونیت علمی پوهنتون کاردان

بانو رحمانی که در انتخاب مینوی غذا سلیقه خاص و در مدیریت تجربه بیشتری دارد، مینوی غذا های تفریحگاه را خودش تهیه کرد و از مهمانان نیز خودش پذیرایی می کرد، این در حالی بود که او مادر یک فرزند و همسر یک مرد خیلی مصروف نیز بود.

همسر بانو مینه رحمانی آقای رویین رحمانیست که بنیان گذار و رییس پوهنتون کاردان است، زمانی که مینه در پاکستان بود با آقای رحمانی در سال ۲۰۰۴ نامزد گردید و سپس در سال ۲۰۰۶ آنها با هم ازدواج کردند که ثمره ازدواج آنها یک دختر به نام عسل است.

بانو رحمانی با لیاقتی که داشت از مدیریت تفریحگاه به مدیریت یک نهاد تحصیلی فرا خوانده شد. در سال ۲۰۱۴ وقتی پوهنتون کاردان برنامه ماستری خود را ایجاد کرد، این برنامه به یک مدیریت خوب نیاز داشت.

بانو رحمانی می گوید: «تیم پوهنتون کاردان از من تقاضا کردند که مدیریت برنامه ماستری را به دست گیرم و از سال ۲۰۱۴ الی سال ۲۰۱۷ در بخش برنامه ماستری همکاری کردم و بعد معاونیت علمی کاردان را بدوش من گذاشتند».

بانو مینه رحمانی اظهار می دارد که وقتی به معاونیت علمی پوهنتون کاردان پا گذاشت آنجا را یک محیط متفاوت یافت و از همان زمان دیدگاهش این است که کاردان روزی در سطح پوهنتونهای برتر جهان قرار گیرد و برای این هدف تلاشهای بیشتر خواهد کرد.

این بانوی هدفمند در عرصه زنده گی شخصی خود نیز خیلی جدی است و همه کارهای روزمره اش را مطابق یک برنامه تنظیم شده اجرا می کند.

او به موسیقی هم علاقه زیادی دارد و یک برنامه آموزش گیتار را هفته دو روز

تعقیب می کند و خودش هم گیتار نواز ماهرست که در اوقات بیکاری گاه گاه گیتار می نوازد.

بانو رحمانی علاقه مند ورزش کاراته است او این رشته ورزشی را در کانادا فرا گرفته است و دارنده کمر بند سیاه در این رشته می باشد.

بانو رحمانی علاقمند مطالعه کتاب هایی در زمینه رهبری است.

پیام بانو رحمانی این است که یگانه راه دستیابی به قله های پیروزی تحصیل و مطالعه است و جوانان باید تحصیل کنند تا بتوانند کشور شان را از بدبختی نجات دهند.



کودکان افغان و آینده نا روشن

مسوولان وزارت معارف می گویند که سه میلیون کودک به دلیل غیرحاضری از ادامه درس محروم شده اند. این وزارت یکی از دلایل اساسی محروم شدن شاگردان از درس و مکتب را مجبور شدن اطفال به انجام کار های شاق می دانند.

هرچند رفتن میلیون ها طفل به مکاتب و آموزشگاه ها یکی از دستاورد های مهم دولت در طی بیش از ده سال اخیر است، ولی هنوز شمار زیادی از اطفال کشور از حق آموزش محروم اند. مهم ترین دلایل ان نا امنی، فقر و بی کاری است.

در ماده ۴۹ قانون اساسی افغانستان آمده است که اعمال کار بر اطفال جواز ندارد.

در ماده ۳۲ کنوانسیون حقوق اطفال سازمان ملل متحد که افغانستان نیز در سال ۱۹۹۴ میلادی به آن پیوست آمده است که دول طرف کنوانسیون باید حق طفل را به حمایت در برابر استثمار و انجام هر کاری که میتواند، مشقت بار باشد و یا به تحصیل طفل تداخل نماید و یا به رشد جسمی، ذهنی،

روحي، معنوی یا اجتماعی طفل ضرر برساند به رسمیت بشناسند.

در قانون کار افغانستان بر اساس قوانین و معاهدات ملی و بین المللی کار کردن اطفال منع قرار داده شده است.

مسوولان در وزارت کار، امور اجتماعی شهدا و معلولین بار ها گفته اند که هیچ نوع قانون، طرز العمل و هیچ نوع مقرر ای وجود ندارد که کار کودکان را جواز داده باشد.

قانون اساسی افغانستان و میثاق های بین المللی حقوق بشر مکلفیت دولت ها دانسته است که زمینه ی تعلیم و تربیت را برای کودکان مهیا سازند.

همچنین مطابق اصل نهم اعلامیه جهانی حقوق طفل کودک باید در برابر هر گونه غفلت، ظلم، شقاوت و استثمار حمایت شود.

شماری از جامعه شناسان آینده زندگی کودکان کارگر را خطرناک میبینند و به باور آن ها افزون براینکه در دوران کودکی این کودکان از سوی گروه های تبه کار مورد استفاده های گوناگون قرار میگیرند، در بزرگسالی نیز برای شماری از آنان آینده خطرناکی پیش بینی میشود.

این جامعه شناسان می گویند اگر وضعیت چنین پیش برود و دولت توجه جدی به وضعیت کودکان نداشته باشد فاجعه ی بزرگ اجتماعی در راه خواهد بود.

به گفته آنان دولت موظف است که برای دسترسی به اطفال به حقوق اساسی شان از جمله تعلیم و تربیه، صحت، تفریح و سرگرمی سالم تلاش کنند.

د ودانیو اقتصادی حسابونو ته لنډه کتنه

او غیر مستقیم مجموعی لگښتونو باندی خو فیصده ځانگړې گټه اضافه کیري. د ودانیزو کارونو اټکل شوی لگښت د پروژې د ټیکنالوژي پر بنسټ ولاړ دی لکه دهر واحد لگښت، د نورم په اساس د ساختمانی کارونو لگښت، د ماشین آلاتو دهرکاری ساعت لگښت او د جوړولو د میکانیزمونه لگښت.

اوهمدارنگه ځینې ساختمانی کارونه شته چې په هغه کې توکي نه مصرف کیري او د کارگر لخوا ترسره کیري چه هغوته معاش ورکول کیري نو دا لگښت (۱۵٪) د مستقیم لگښتونو په توگه گڼل کیري لکه د ساحه کنبل، د ساحه هموارول او داسی نور. که چیرې پورته یادې شوې دندې د ماشین په واسطه ترسره شي، په دې اړه باید د ماشینونو د کارولو لگښت په پام کې ونیول شي.



تعاون و تنش دو رویکرد متفاوت

روسیه با آمریکا

در اوایل قرن (۲۰) امپراطوری عثمانی در سیاست خارجی و روابط خویش نزدیکی بیشتری با آلمان، به عنوان رقیب انگلستان در سطح نظام بین الملل پیدا میکند؛ به نحوی که در جنگ جهانی اول (سالهای ۱۹۱۴ تا ۱۹۱۹) عثمانی در کنار آلمان ها در مقابل فرانسه و انگلستان می‌جنگند.

انگلستان که از روابط قرن (۱۸) در شبه جزیره عربستان از برخی گروه ها و فرقه های مذهبی که عمده ترین آنان خاندان اهل سعود و فرقه وهابیه بود حمایت میکرد. در اواخر جنگ جهانی اول با استفاده از این نفوذ خود، زمینه فروپاشی و تجزیه امپراطوری عثمانی را به عنوان آخرین خلافت عثمانی فراهم می نماید. از تجزیه امپراطوری عثمانی در سال (۱۹۱۹) کشور های ترکیه، عربستان سعودی، اردن، یمن، سوریه،

لبنان، عراق، کویت، بحرین، امارات، قطر، اسرائیل، فلسطین و بخش های از مصر به وجود میاید.

این سرزمین ها که از تجزیه امپراطوری عثمانی حاصل گردیده بود مرزهای آن توسط فرانسه و انگلستان به عنوان قدرت های پیروز در جنگ جهانی اول شکل می گیرد و اکثر کشور ها؛ مانند سوریه و عراق یا لبنان تا پایان جنگ جهانی دوم به عنوان سرزمین های تحت قیمومیت انگلیس یا فرانسه اداره می شود.

مهم ترین نقش قدرت های مرکزی در بحران سوریه:

دو قدرت آمریکا و روسیه در بحران سوریه نقش بسا مهم را داشتند، پیرامون نقش آمریکا باید گفت که آمریکا خواهان انهدام سلاح شیمیایی سوریه میباشد. پیرامون نقش روسیه باید گفت که میان سوریه و روسیه روابط اقتصادی و سیاسی از گذشته وجود داشت؛ با تضعیف شدن سوریه ناکامی ایران که علیه منافع روسیه است. همچنان قدرت های ایران، ترکیه و عربستان در تلاش این بودند که قدرت یکدیگر را بکاهند و در انتها باعث بحران سوریه شدند.

با توجه به آنچه که در خصوص بحران گرجستان، اوکراین و سوریه می‌توانیم نتیجه گیری نماییم، این است که از سال ۲۰۰۸ به بعد رقابت میان روسیه و آمریکا در مناطق استراتژیک دریای سیاه، شکل آشکار تری بر خود پیدا می‌کند؛ زیرا مناطق آبخازیا در گرجستان و شبه جزیره کریمه در اوکراین، در واقع مناطقی بود که برای تنفس روسیه به عنوان یک ابر قدرت دارای ارزش حیاتی بود. بنا زمانی که سیاست های آمریکا در قبال این مناطق باعث از دست دادن آن توسط روسیه می‌گردید؛ روسها با قدرت نظامی کامل از این مناطق دفاع کردند؛ ولی در بحث سوریه که خارج از حوزه نفوذ کلاسیک روسیه می‌باشد،

قدرت نمایی روسها در واقع باعث تضعیف جایگاه ایالات متحده آمریکا در سطح شرق میانه و به دنبال آن نظام بین‌الملل خواهد شد.

نتیجه چنین بحرانی (منطقه سوریه) افزایش رقابت میان آمریکا و روسیه در حوزه مهمتر آسیای مرکزی خواهد بود و به دنبال آن نزدیکی افغانستان با کشور های آسیای مرکزی و وجود بحران تروریسم و گروه های افراط گرا علاقه مندی هر دو کشور را نسبت به مسایل افغانستان بیشتر خواهد ساخت.



علل توسعه نیافتگی اقتصادی در

افغانستان

آنی که قبل از انیکه قربانی تروریسم باشد قربانی جهل و بی سوادگی یکایک مردم خود است. این بی سوادگی نه تنها مشکلات را در بخشهای سیاسی، اجتماعی و امنیتی به بار آورده است؛ بل سبب شده است تا کشور ما از رشد اقتصادی نیز باز بماند.

به این دلیل که افراد بی سواد در یک جامعه نمی توانند به یک کار اشتغال داشته باشند؛ اگر داشته باشند هم نمی توانند آنرا به شکل درست آن توسعه بخشند. در نهایت این خود سبب کم شدن نیروی کاری متخصص می شود، که زمینه را برای عدم توسعه یافتگی اقتصادی فراهم می سازد. در نتیجه سبب می شود تا جامعه به طرف توسعه نیافتگی به پیش رود.

کمبود نیروی کار سالم و متخصص: سرمایه انسانی نقش بسیار بارز را در تامین انکشاف اقتصادی بازی می‌کند. علمای زیادی در زمینه تحقیق کرده و نقش سرمایه انسانی را در رشد و انکشاف اقتصادی برجسته کرده و به آن تاکید کرده است. در واقع سرمایه انسانی به تمام قابلیت‌ها و مهارت‌هایی اطلاق می شود که در وجود یک فرد به واسطه تعلیم و تربیه ایجاد گردیده

همه عرصه‌ها به توسعه برسد.

مشکل بیکاری در افغانستان و راه حل

افغانستان در تشکل GDP یا تولیدات ناخالص داخلی ۲۳ درصد سهم داشته و ۴۴,۳ درصد جای کار را به مردم ایجاد کرد و بخش خدمات ۵۵,۹ درصد سهم در تشکل GDP افغانستان داشته و ۳۷,۶ درصد جای کار را به مردم ایجاد کرد و این ارقام نشان دهنده آن است که میزان سرمایه‌گذاری‌ها در بخشی زیاد بوده که ظرفیت استخدام کمتر را دارد و با وجود بیشترین سرمایه‌گذاری کمترین جای کار را ایجاد کرد است. بخش زراعت که نسبت به بخش خدمات شاهد سرمایه‌گذاری‌های کم بود، نسبت به بخش خدمات بیشترین جای کار را به مردم ایجاد کرد. ابعاد مختلف عامل تخنیکی معضل بیکاری در افغانستان تمام موارد است که شرح داده شد و اصلاح آن در قسمت حل مشکل مفید تمام می‌شود. بگونه مثال در استراتژی توسعه افغانستان سرمایه‌گذاری بالای بخش زراعت و در قدم دوم بالای بخش صنعت باید در اولویت باشد؛ چرا که ظرفیت استخدام بالا را نظر به خاصیت قوای کار، یعنی اکثریت بی‌سواد و نیمه‌با‌سواد دارد و به شکل زیربنایی معضل بیکاری را می‌توان با سرمایه‌گذاری بالای این دو بخش حل کرد.

مشکل سیاسی، معضل عدم توسعه و افزایش روز افزون بیکاری در افغانستان؛ بسته‌گی دارد به نوعیت و دیدگاه نظام‌های سیاسی در این کشور که متاسفانه دیدگاه و نوعیت نظام‌های سیاسی در افغانستان، رفاهی نبوده و بیشتر متمرکز به مسایل امنیتی و موضوعات سیاسی نظامی است. به این اساس حدود ۸۹ درصد GDP افغانستان سالانه مصرف ارتش، پولیس و جنگ میشود که برای یک کشور فقیر هزینه خیلی بالا است. این مساله باعث شده تا دولت روی سیاست‌های رفاهی، اجتماعی

این عیب بزرگ اقتصادی است. آگاهان اقتصادی می‌گویند که تا زمانی که حکومت برای رشد تولیدات داخلی و فراهم کردن زمینه صادرات کالاهای بازرگانی برنامه منظم نداشته؛ باشد خودکفایی اقتصادی و توازن میان صادرات و واردات کشور بعید خواهد بود. عوامل دیگر؛ رشد بی‌رویه جمعیت، کشت مواد مخدر، زراعتی بودن اقتصاد، دخالت کشورهای بیگانه، نبود نهادهای کارا و غیره می‌باشد.

نتیجه‌گیری

افغانستان از جمله کشورهای رو به انکشاف است که رسیدن به توسعه اقتصادی از جمله اهداف آرمانی آن به شمار می‌رود. عوامل مختلف سبب شده است تا افغانستان این رشد را تجربه نکند؛ از جمله، نبود امنیت، نبود نیروی کار متخصص، فساد گسترده اداری....

برای رسیدن به توسعه اقتصادی ابتدا باید امنیت داشته باشیم زیرا اگر امنیت نباشد هر تلاشی هم در این راستا بیهوده خواهد بود. باید سطح سواد بالا برود تا اینکه ما نیروی متخصص کاری داشته باشیم و نیروی متخصص کاری سبب می‌شود تا بهتر کارها پیش بروند و در نتیجه سبب انکشاف و رشد در این عرصه شود. فساد اداری نیز یکی از موانع توسعه اقتصادی بشمار می‌رود؛ زیرا آن بودجه که برای سرمایه‌گذاری در راه توسعه در نظر گرفته می‌شود مورد اختلاس قرار می‌گیرد. در نتیجه به آن مقدار بودجه که لازم است مصرف شده نمی‌تواند و پروژه ناکام می‌شود. علاوه بر این‌ها عوامل زیادی دیگری نیز هستند که سبب شده است تا کشور عزیزمان از رشد اقتصادی باز بماند؛ مانند: کمبود صادرات، واردات زیاد، نابرابری اجتماعی، کشت مواد مخدر، زراعتی بودن اقتصاد....

به امید اینکه روزی افغانستان زیبا در

است. استفاده از این قابلیت‌ها در پروسه تولید منجر به افزایش عاید آن می‌گردد. متاسفانه افغانستان طی چند دهه جنگ‌های ویرانگر تعداد زیادی از نفوس آن از تعلیم و تربیه باز ماندند و بی‌سواد می‌باشند. که این کمبودی نیز یکی از موانع توسعه اقتصادی بوده است.

فساد گسترده اداری: تا زمانی که فساد و رشوه در ادارات ما حاکم است کمتر پروژه‌ها امکان موفقیت پیدا می‌کند، چون کارها از مجرا و مسیر طبیعی خودش خارج شده و بودجه‌های که برای پروژه‌های عمرانی اختصاص داده می‌شود، اگر درست هزینه نشود و در بوروکراسی اداری از بین برود کشور در مسیر توسعه قرار نمی‌گیرد.

نابرابری اجتماعی: اینکه سرمایه‌کشور به دست افراد کمی قرار گرفته باشد و سرمایه‌داران هر روز سرمایه‌دارتر و فقرا هر روز فقیرتر می‌شوند این خود یکی از عوامل است که ما در کشور مان رشد اقتصادی را تجربه کرده نتوانیم.

طبق آمارها بیشترین سرمایه‌کشور به دست کمتر از سی درصد مردم است؛ در حالی که بیش از هفتاد درصد مردم افغانستان فقیر یا زیر خط فقر قرار دارند. فقرا از گرسنگی با مرگ دست به گریبانند و سرمایه‌داران نیز بیشترین سرمایه خود را در خارج از کشور انتقال داده و یا در خارج سرمایه‌گذاری می‌کنند. بیرون رفتن سرمایه از کشور فاجعه در راه رشد و توسعه اقتصادی است.

واردات و صادرات: افغانستان یک کشور وارداتی است که بر اساس آمار وزارت تجارت سالانه، نه درصد صادرات و ۹۱ درصد واردات آن تخمین زده شده است.

تحلیل بیلانس تجارتي کشور به نقطه اوج خود رسیده است. ما یک کشور وارداتی هستیم. همه اموال ما از کشورهای همسایه وارد می‌شود که

و اقتصادی کمتر توجه کند. در بحث تخصیص بودجه ملی سالانه هم بیشترین تخصیصات برای جنگ مدنظر گرفته شود و کمترین تخصیص ها به سیاست های رفاهی داده شود که خود مبدل به یک عامل استراتژیک افزایش فقر و بیکاری در افغانستان گردیده است. مدیریت این موضوع منجر به راه حل معضل می‌گردد و به اساس نظریه مدیریت پیدا کردن عوامل مشکلزای پنجاه درصد مشکل را حل میکند؛ یعنی تامین کردن صلح و ثبات نسبی در افغانستان در قسمت کاهش فقرممد و مثمر واقع می‌گردد.

مشکل منطقی و جهانی که منعیث عامل فقر، بیکاری و عدم توسعه افغانستان عرض اندام کرده، هم برمیگردد به نبود استقلالیت اقتصادی این کشور. افغانستان یکی از کشور های است که در طول تاریخ به عنوان یک کشور زراعتی شناخته شده؛ ولی تا حال ابتدایی ترین وسایل و برنامه های توسعه یی در بخش زراعت را شاهد نبوده است. همان طوریکه در بالا اشاره گردید، نقاط اتکا اقتصادی قوی در داخل نداشته و همیشه به یک نوعی وابسته به کمک های خارج است که این مسله باعث نفوذ و گسترش مداخلات کشور های منطقه و جهان در این کشور شد و همیشه شاهد جنگ های نیابتی کشورهای خارجی در داخل افغانستان بودیم. همچنان انواع و اقسام جنگ ها در طول تاریخ در افغانستان که ناشی از مداخلات بیرونی است؛ باعث عدم گسترش تولید گردیده و یک کسر بیلانس تجارتي فاحش را در روند صادرات و واردات ایجاد کرد که افغانستان را به یک کشور مصرفی و وارداتی تبدیل کرده و بیشترین کالا های را که وارد میکند از کشور های است که فعلا مصروف جنگ های نیابتی در افغانستان هستند. اکثریت نفوس افغانستان از کم بود سرپناه، آب آشامیدنی، برق، مراکز صحتی، کار، فساد اداری، بی امنیتی، حکومت داری

ضعیف، نبود زیربناها، عدم تطبیق قانون در تمام کشور رنج می‌برند و این عوامل بعنوان مشکلات عمده سد راه رشد اقتصادی افغانستان واقع شده که خود زمینه را برای نفوذ و مداخلات خارجی ها فراهم کرده است. خرید میلیارد ها دالر کالای های مصرفی سالانه از کشور های منطقه و یک بازار مصرفی بودن، نداشتن سیاست مدون خارجی و منطقی که بر محور منافع مشترک با منطقه و همسایه ها ایجاد شده باشد؛ باعث آن شده که همسایه ها و منطقه منافع خود را در بی ثباتی و مصرفی بودن افغانستان جستجو کنند و در راستای توسعه افغانستان تعهد در چهار چوب روابط استراتژیک را نداشته باشند. این در حالی است که داشتن روابط گسترده در عصر امروز یکی از عوامل استراتژیک توسعه شناخته شده و با میکانیزم های توافقی بین کشور های که منافع مشترک دارند، در فاز مزیت های نسبی شان تعاملات تجارتي، ترانزیتی و سرمایه گذاری های مشترک را انجام میدهند. متاسفانه افغانستان از داشتن چنین روابط محروم است و از دید نویسنده، یکی از عوامل راهبردی گسترش بیکاری و فقر در افغانستان بوده می‌تواند.

مهمترین نکته در ارایه راه حل به مشکل بیکاری در افغانستان؛ همان رعایت کردن تسلسل در کار است؛ مثلا، مشکل منطقی و جهانی، با مدیریت کردن مشکل تخنیککی که اقتصادی است مدیریت میشود. مدیریت کردن مشکل سیاسی مشکل تخنیککی را مدیریت میکند، یعنی هم وابسته به یک دیگر هستند و هم در تسلسل قرار دادن کار ها مشکل مرفوع میشود.

خرنگه کولای شی یو بنه مدیر اوسی

جوړ کړو؟ همدا نوی ملگری مو کېدای شي یوه ورځ بنه کارمند، بنه آمر، بنه رییس، بنه گاونډی، بنه ټولگیوال، بنه ملگری یا بنه خپلوان شي. تل باید هڅه وکړو، چې په هر ځای کې د نویو خلکو په لیدو د هغوی سره د Net-work جوړولو په فکر کې شو.

۷ - بریا مو له یو بل سره تړلې ده. یو عالم پخوا ویلي وو "متحرک څیزونه او جسمونه به تل د «حرکت» لور ته تمایل لري او ساکن څیزونه به تل د «استراحت» لور ته تمایل لري. نو موږ د ژوندیو موجوداتو په ډول اړ یو چې د کارونو په بنه ډول ترسره کولو لپاره له یو بل نه مرسته وغواړو. موږ باید هڅه وکړو چې د هر کار نوعیت ته په کتو سره ورته بېلابېل ملگري/همکاران ولټوو. دا کار به مو په ژوند کې د سترو بریاوو پوړیو ته ورسوي.

۸ - ځینې شیان تل له ځانه سره ولره. د یو عالم په ویناوو کې مې ډېر پخوا لوستي وو چې "زه تل خپل موبایل او د پلي گرځېدا بوټونه ځان سره نږدې ږدم. موبایل د دې په خاطر که هر کله له خوبه پاڅېرم نو زړ یې گورم، چې د خپلوانو، ملگرو او یا له دفتر څخه کوم پیغام نه وي راغلی، او بوټونه مې د دې د پاره ږدم چې ورته گورم نو تل پلي گرځېدا ته هڅول کېرم. اوس نو تاسې خپلې اړتیاوې وگورئ، ځینې ملگري تل له خپله ځانه سره موبایل او کتاب د استراحت پر مهال ږدي. ځینې بیا لپټاپ او ځینې بیا هم تسبېح او جاي نماز.

۹ - تل ستونزې ته د فرصت په سترگه وگوره. بنایي ډېرو ته عجیبه وي چې خرنگه یوه ستونزه فرصت وگڼو. خو وار مه خطا کوه. ځکه یو عالم وايي "هره هغه «ستونزه» چې تاسې ونه وژني نو فرصت دی". اوس نو فکر وکړه چې خرنگه یوه ستونزه په فرصت بدلولای شې؟ په اداري ژوند کې پیاوړي مدیران

اجتماعی قوی سازند. سرمایه‌گذاری بالایی برنامه‌های آگاهی‌دهی توسط رسانه‌ها و سیمناها برای مردم می‌تواند از سو استفاده‌ی تحت نام دین و مذهب جلوگیری کند.

یک دولت مقتدر، یک جامعه پیوسته و هم‌پذیر، حاکمیت قانون و اقتصاد قوی می‌تواند افغانستان را از وضعیت کنونی نجات دهد.



مصوونیت پارلمانی

میشود این است که اتهام نماینده به اطلاع پارلمان میرسد و رسیدگی مقدماتی به این اتهام در پارلمان توسط کمیسیون ویژه‌ای انجام می‌گیرد. در صورتی که جرم مشهود باشد، ماموران حق بازداشت نماینده را دارند؛ زیرا وقوع جرم در حضور ماموران انجام گرفته‌شک و تردیدی در ارتکاب جرم وجود ندارد. تعرض ناپذیری بر خلاف عدم مسوولیت، تنها مربوط به دوره نمایندگی یا دوره اجلاس پارلمان است. بنابراین پس از پایان دوره نمایندگی پیگرد اتهام نماینده و رسیدگی بدان مانند تمامی شهروندان صورت می‌گیرد.

حل او د موجودو/راتلونکیو ستونزو څخه په بڼه ډول خبرېږي. مخکې له دې چې د ستونزې سره ناڅاپي مخ شي او لار او گودر درڅخه ورک شي، بڼه به دا وي چې له وړاندې ورته چمتو والی ولري تر څو راتلونکې/احتمالي ستونزه په بڼه ډول سره په فرصت بدله شي.



منارعه افغانستان و راه حل آن

و باعث پراکندگی اقوام افغانستان شود. هنوز عکس العمل مردم به گذشته‌های نه چندان دور و جنایت‌های که حاکمان مرتکب شدند محسوس است.

سو استفاده سیاسی:

یک تعداد سیاسیون و افراد با نفوذ از خلاهای موجود سو استفاده کرده و مردم بسیج می‌نمایند و اجندا‌های شخصی و گروهی خویش را بالایی آنها تحمیل می‌کنند. در نهایت هدف تمام این سو استفاده کنندگان تامین منافع شخصی و گروهی افراد با نفوذ در جامعه افغانی میباشد.

در نهایت به نظر من راه حل منارعه افغانستان را باید در فکتورهای داخلی جستجو کرد تا خارجی؛ یک دولت مقتدر در افغانستان با وجود آوردن پالیسی‌های در توسعه روابط خارجی می‌تواند منافع ملی افغانستان را تامین کند و رقابت‌های قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی را مهار سازد. وجود دولت مقتدر و قوی که بتواند خدمات خوب به مردم ارایه کند: حاکمیت قانون را تطبیق کند؛ نیروی‌های امنیتی مقتدر و با تسلط در تمام افغانستان داشته باشد؛ می‌تواند خشونت‌ها را کاهش دهد و افغانستان با توانمند ساختن افراد جامعه و ایجاد زیر بنابرینهای اقتصادی می‌تواند شغل‌زایی کرده و پراکنده‌گی اجتماعی و قومی را توسط اقتصاد به هم گره بزند. دولت از طریق افراد با نفوذ مذهبی می‌تواند مردان را قناعت دهد تا حضور زنان را در فعالیت‌های

هم‌هغه دي چې ستونزو ته د فرصت په سترگه گوري.

۱۰ - خپله هره ورځ ترسیم کړه. بڼه به وي چې هېڅ یوه ورځ په ناڅاپي ډول تېره نه کړو. که تاسې چېرته د خپل ورځنې پلان نه خبر نه یاست، نو بریا به د چانس خبره وي، که نه ناکامی مو ځان لپاره پلان شوې وگڼئ. هڅه باید وکړو چې هره ورځ له پیلېدا څخه وړاندې ۳۰ دقیقې کېنو او فکر وکړو چې نن ورځ به څه کوم او پایله به یې څه وي؟.

۱۱ - د کارونو څارنه کوه، خو د یو رښتیني مشر په ډول؛ د ادارو په ډېری مشرانو کې دا ستونزه وي چې کوم کار خپله نه کوي، نو د نورو څخه یې د ترسره کولو جدي غوښتنه کوي. د معاصر مدیریت غوښتنه هم دا ده، که چېرې له لاس لاندې کارمندان لږ دقیق وڅارل شي او تر څنګ تشویقي رویه خپله کړو، نو ډاډه اوسې، چې ټاکل شوی کار، شوی وپولې، تل په کارځای کې د نورو سره په پراخه تڼده، مثبته رویه او نېک اخلاقو چلند کوئ.

۱۲ - نظرونو ته په خلاصه غېږه بڼه راغلاست ووايه؛ په ژوند کې تل د نورو د نظرونو سره مخ کېږو. تل باید هڅه وکړو چې د نورو نظرونو ته درناوی ولرو او پلټنه وکړو که چېرې رښتیا هم مقابل لوری په حقه وي، د نظر سره د توافق ترڅنګ ترې مننه وکړو چې نېک نظر یې شریک کړو. اوس دا نظرونه که چېرې په کارځای کې واوسي نو هېڅکله باید داسې ونه انگېرو چې که د ارگان د بدلون په اړه د چا نظر و منو نو اداره به ړنگه شي. کوښښ وکړو چې پر نظر، نظر واخلو؛ خپله به د تایید او رد پایلې ته ورسېږو.

۱۳ - هره ورځ خپلو کلیدي همکارانو سره خبرې وکړه؛ د خپل کارځای/ادارې له کلیدي همکارانو سره باید هره ورځ وويني. د دې کار له ډېرو گټو څخه یوه دا هم ده چې د ادارې د تېرو ستونزو د



پوهنتون کاردان
KARDAN UNIVERSITY



☎ 0777 52 83 83

✉ info@kardan.edu.af

📍 چهارراهی پروان دو، کابل - افغانستان

 Kardan University

 KardanOfficial

 Kardan.University

 kardan.edu.af